

# بیکار

۲۴ صفحه

۷۷

سال دوم - دوشنبه ۲۸ بهر ۱۳۵۹ بها ۲۵ ریال

## در صفحات دیگر این شماره:

- اخباری از کردستان قهرمان صفحه ۵
- در مورد گزارش نویسی از تاثیر جنگ در میان کارگران صفحه ۳
- مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳ (۶) صفحه ۱۳
- با چشم باز در افق خونین کردستان - خاطرات ناک سر باز (۸) صفحه ۶
- پاسخ به نامه ها صفحه ۱۹

### باز هم خیانتی دیگر: بازگشت

جنایتکاران ارتش شاهنشاهی  
رسم حیضوری اسلامی، در جنگ ایران و عراق برای رسیدن به ماعدوم خود، از هر وسایلی استفاده میکنند تا در گناری کدهمرا ما در رسم عراق از طغنه های در کشور را دادا جدا جدا ر هر جیت بستند ما در روز ۵ ۵۹/۷/۱۷ من ندر من بخاطر در باج سوال حس ناروان در بر دد نوب ر سرا ساختاری مده ارس مده

بقیه در صفحه ۱۶

### مرخصی اضطراری، نامحدود و بدون حقوق برای کارگران شرکت نفت!

اشاراتی چند پیرامون:  
**ظهور و سقوط تاریخی حزب بعث**

صفحه ۸

## جنگ و انقلاب

ما تحت حاکم بعثت کشته شدیم...  
سازمان کمونیستها در سال جنگ...  
ما در دادگاه جنگ...  
سودا و کوه جنگی ارضایی و غیره...  
ما در دادگاه عدالتی دیگر...  
ایران و عراق جنگی ارضایی است...  
زیرا طغنه های کداس جنگ را...  
من سردسور و زاری است...  
جنگ سور و زاری عراق و ایران...  
اهدان طغنه ای محض را در سال...  
سنگسنگ در میان این استعدا...  
با ندادار کوس جیت مده احسرا...  
کماندن حسن بوده ای...  
انقلاب و سبب نانه های ندر...  
حاکم ما برد...  
بقیه در صفحه ۲

### بگذار فدائی (اکثریت) و ارتجاع درهم آمیزد و نگهبان جمهوری اسلامی گردد!...

صفحه ۱۱

### امپریالیسم آمریکا عربستان سعودی را مسلح می کند...

صفحه ۱۵

### در چین رویزیونیستی چه میگذرد؟

صفحه ۱۰



جنگ برای سوره های ایران و عراق  
نقطه تلاک و جدج... اردی آورد

### تبلیغ از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم

صفحه ۴

#### خبرنامه جنگ

بیکار

چشمکس ایران و عراق جنگ...  
سوره ناله کنون...  
استدلال...  
خبرنامه جنگ...  
ایران و عراق...  
چشمکس ایران و عراق...  
بیکار

## مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران







# خلق ها و مسئله ملی



## گزارشی کوتاه از وضع اقتصادی کردستان

قبل از شروع دومین سمینار کردستان کا از مواد سوختی وارد می شود، هر چند که گاهی احوالی چون روغن مایه، بنزین، نفت و غیره... کسب و کسب برای آن بصورت ناخوشایند است. در این مورد، پس از سیاه و سیاه در رژیم جمهوری اسلامی در سیاه سال و در این رژیم... مردم نیز همان کردستان شرایط سختی را تجربه می کنند.

الف - وضعیت اقتصادی کردستان: در این مورد، پس از سیاه و سیاه در رژیم جمهوری اسلامی در سیاه سال و در این رژیم... مردم نیز همان کردستان شرایط سختی را تجربه می کنند.

مردمان این شهرها طلب محاصره کامل اقتصادی آنها را شرط حقی را تحمل می کنند. بنوعی دونه و مواد سوختی و... مشکلات زیادی برای توده ها بوجود آورده است. کرایه سرانجام آور، بیکاری مفرط و قطع حقوقی کلید کارمندان دولت و... بر این مشکلات افزوده است. برای نمونه قیمت هندکالارا در سیاه سال می آوریم اما مردم این فشار یک مرحله خلقی شهرمان کردوار می شود آگاه بود. در این شهر مواد سوختی اطلاعات می شود و اگر هم بدمتند می شود قیمت آن سرانجام آور است. قیمت هر چنگ ۱۸ لیسری ۱۲۰ تومان، سیریس هر لیتر ۲۰ تومان و گاروئیل هر لیتر ۹۰ تومان) کمپانی کالاها عمومی درآمد روغن نباتی هر...

سومین سمینار کردستان در خرداد ماه سال جاری در سیاه سال و در این رژیم... مردم نیز همان کردستان شرایط سختی را تجربه می کنند.

## شهادت پیشمرگه جانباز سازمان پیکار

در این روز در سیاه سال و در این رژیم... مردم نیز همان کردستان شرایط سختی را تجربه می کنند.

سمینار کردستان در سیاه سال و در این رژیم... مردم نیز همان کردستان شرایط سختی را تجربه می کنند.

در این روز در سیاه سال و در این رژیم... مردم نیز همان کردستان شرایط سختی را تجربه می کنند.

سمینار کردستان در سیاه سال و در این رژیم... مردم نیز همان کردستان شرایط سختی را تجربه می کنند.

## اخباری از کردستان قهرمان

### حمله به ستون ارتشی

پناه ۵۹/۷/۱۰  
یک سون ارتشی که در سیاه سال و در این رژیم... مردم نیز همان کردستان شرایط سختی را تجربه می کنند.

### هجوم و حشینه ارتش به روستایان بی دفاع

پناه ۵۹/۷/۱۰  
در این روز در سیاه سال و در این رژیم... مردم نیز همان کردستان شرایط سختی را تجربه می کنند.

### حمله و نبرد قهرمانانه پیشمرگان با ضد خلق

پناه ۵۹/۷/۱۳  
ستونی شامل ۳۰ تانک و ۷۰ ماشین که...

# حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

شماره در صفحه ۲۲



### پایان تحسن کارگران شهرداری و نتایج آن (مسجد سلیمان)

بیدسال حمله پاداران سرمایه به تحسن کارگران شهرداری مسجد سلیمان در روزهای اول شهریورماه و دستگیری چندتن از نمایندگان آنها و نیز بعثت طولانی شدن تحسن و مسامحه‌های روبرویونیم‌ها در میان کارگران و همچنین ضعف نمایندگان در رهبری و هدایت تحسن، هیز روز از تعداد متخصصین کامند مستند تا تا نیکسه در روزهای آخر تعداد کارگران نیکه در تحسن شرکت میکردند از صد نفر کمتر بود (کارگران تحسن را با حدود ۵۰۰ - ۲۵۰ نفر شروع کرده بودند) و اسن - های سازشکار (هواداری، ج. ف. اکثریت) نسا مآرزها کارگران را به اعتراض و سازش نکامند - سراجا مکارگران در تاریخ چهارشنبه ۱۲ شهریورماه در حالیکه کمتر از ۵۰ نفر بودند نظمی مذاکراتی با مقامات شهرداری به تحسن حدود پایان دادند، بدون آنکه بیواسطه خواسته‌های اصلی و اساسی خود که ما زگمت به کاروروسی شدن سوده‌دست یا بند، آنها فقط نوا سسد ۱۸ روزجوی (مدتی که ما فضل از تحسن کار کرده بود و شهرداری حتی حاضر به پرداخت آن نبود) و نیز سالی ۴۵ روز بعبوان ما به دریافت سما بند .

### جمع‌بندی حرکت کارگران

تاریخ مبارزاتی کارگران در سراسر جهان و بویژه در کشور ما نشان داده است که هیچ حرکت مبارزاتی بدون داشتن سنگلانی منضبط و آهنگین و بدون برنامه‌های دقیق و روش که با در نظر گرفتن روحیه، سطح آگاهی و سایر شرایط کارگران مشخص شده باشد پیروزی نخواهد رسید، و اسن دوعامل (برنامه و سنگلانی) آن ایرار لازم می بودند که کارگران شهرداری آنرا محروم بودند. کارگران مبارز شهرداری که در طول یکسال گذشته دست به مبارزات آزرده‌ای زدند و عاصرا آگاه و انقلابی نسبتاً زیادی در میان آنان بود نتوانستند از حرکت‌های گذشته خود درس گرفتند و تشکیلات خود (شورا و...) را پی ریزی کنند؛ اسن کارگران در سمن ماه گذشته بعد از طی بسک پیروسه چند ماهه یک هیات نمایندگی از بخشهای مختلف انتخاب نمودند. این هیات نمایندگی با توجه به ترکیب در مجموع مبارز و انقلابییش نتوانست با افشاء مواضع سازشکاران ماهیت ارتجاعی رژیم کاموا تکا به نیروی کارگران و ارتقا سطح آگاهی آنها آنان را بسیح و متشکل نماید . هیات نمایندگی با سیاست‌های گاه "چپ" و گاه راست بطور خود بخودی و بیدنیال کارگران و نهدر پیش و در کنار آنها لنگان لنگان حرکت میکرد. ضعفهای این هیات را میتوان بصورت

زیر خلاصه نمود :

۱- هیات نمایندگی برای ادامه مبارزه کارگران برنامه مشخصی نداشت و تقریباً بطور خود بخودی و بیدنیال حوادث حرکت میکرد. این هیات نتوانست از اشکال و باگتگیهای سازمانی استفاده کند که در نسخه محربه بگنواخت شدن شکل مبارزه و سر خوردگی کارگران کردند .

۲- هیات نمایندگی سوانسب با تسلط همه‌جاسبه کارگران نظم آهس ندهد و تا کسه به توده‌ها و با سرامای آرسن ندوبین سده آنها را وسیعاً سمارزه کسانده و هدایت کند ؛ زاسنرو هبات نمایندگی سمدل سبک هیات و سنفکر جدا از سوده‌گردیده که هر چند زبان مگدسب فامله اسانکارگران را دوزنا دترمسد. اس عدم تسلط و سکا نکسی ما نوده‌ها را سنوان در سکل جمع کارگران در محل حص دسد .

کارگران در محوطه سستا بزرگی ارباع شهرداری جمع بودند ولی هر چند سغرا ز آنها در گوسه‌ای با هم حرف میزدند و کمتر کسی نوجه سبه سخنرانان میکرد. خلاصه سوعی سراکندگی و عدم تشکیل در میان کارگران حاکم بود که نکسی از دلایل نی بقا و تی دم افزون کارگران نسبت به تحسن و دل سرتدن آنها را در همن سئله یا سد جستجو کرد .

۳- عدم افشاء قاطع و همه‌جاسه هبات حاکمه سدکارگر و سر عدم افشای سیاست‌های سازشکارانه سرحی تکنس ها و سرکارگران هوادار سمدان (اکثریت) هبات نمایندگی دمفا اطلاع داسب که در میان تکنسینها تعدادی عناصر سازشکار وجود دارند که مرتب در حال سیاسی و سوطشه - حسی در سمن کارگران مساسد .

اس هیات همحنین سمدانسب که یکسی از این عناصر سازشکار، بعد از ظهرها کارگران قسمت "سده سکا" را جمع کرده و در میان آنها نملیغ میکنند که: "ما در حال مبارزه فدا میریال سستی هستیم، تحسن خدمت به ما میریال سست و ...." ما اینهمه سطب سزلزلات خود با اسن مسئله بر خورده قاطع سکرده و حتی گاه گاهی تسلیم سنا سنها سازشکارانه آنها میشود .

۴- ساسب عقب نشینی قرارگوسه سغنی از سما بیدگان و رهرا کردن کارگران بحال خود . بعضی از سمانندگان در هفته آخر تحسن سجای عقب نشینی تاکتیکی و حفظ تمام خود با کارگران و دادن رهنمود برای ادامه مبارزه شان بسبک عقب نشینی استرا تژیک دست زدند و بطور کلی صحنه مبارزه را برای ناخت و تارهواداران (اکثریت) خالی گذاشتند . که نتیجه آن منجر به شکست تحسن کارگران گردید .

### "مبارزه" استاندار جمهوری اسلامی با امریکا و عراق چگونه است؟!

معدن شن و مسانه عاصسراوان در اختیار اسناداری قرار دارد که بوسله گمبته سهره - سرداری از معدن آنرا میگردد اسد. مدت یکسال است که اس معدن مشغول کار است و هر مساه مبلغی را بعبوان حق سبمه و مالیات از حقوق کارگران کسر کرده اند ولی هوز از دفتر حه سبمه خری سست . کارگران مدت‌ها پیش شورا تشکیل دادند تا سوانشند برای حقوق خود از جمله دفتر حه سبمه و حق اولاد و مسکی و... مبارزه کنند. آنها حدسار به اسناداری رفتند ولی هوز اسطلس سناخس ما هبت فدکارگری اسنادار فریبست و عده و عده‌های او را خورده سبرکار را زمبگشتند . ساسکد در شهریورماه اسنادار معدن را بسبک نفر سوانی سبام "مارگوسلو" واگدا ر میکنند . سآمدن اس خارجی کارگران روز مزد و سبمانی مسوندند و در سبجه سنها حسی ارد دفتر حه سبمه نمسند بلکه هر آن در معرض اخراج قرار میگردند کارگران اعصا س میکنند و مگوبند لا قلسول یکسال سبمه و مالیات ما را بسبدهد . ولی اسناداری و کمبته سهره سرداری آنرا سالا کسد سودسد . سنا سراین کارگران دست سبه اعصاب زدند و تا اسان هم مشغول اعتما بند .

کارگران از اسن موضوع حد حیز را می - آوزید ؛ اول اسبکه سزای کارگر فرق نمکند کار فرما سنا برانی با شدیا خارجی ، دولت ما شد سبک نفر سراما سهدار ، هر حه سنا شد سمن کارگران است ، هما نظور که کارگران هم دشمن سراما سبه - داران و دولت حامی آنها هستند و برای دولت هم فرق نمکند که کارگران بوسله حه کسسی استسما ر میشوند . حال سمتوان بخوسی قضاوت کرد که آ با اسن دولت و اسنادار هستند که علیه امریکا مبارزه کنند و کارگران فدا انقلابند بسا اینکس بر عکس ؟

ناگفته سمانده که در این میان حزب خاشن سوده که همیشه با اسم کارگر بر ضد کارگر مبارزه می - کند در روزنا ما س تمامی کارهای اسنادار را تا شید کرده و اصلا حرفی از مبارزات بر حوق کارگران نمیزند و با لاکشیدن پولها بوسله اسناداری و کمبته سهره برداری ر ابرده بوشی میکنند .



### ۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

# اشارات چندپیرامون: ظهور و سقوط تاریخی حزب بعث

بدنال انسا ردو معاله، یکی دربارہ اوضاع اقتصادی عراق (سکار ۷۵) و دیگری دربارہ عملکردهای فاسیستی رژیم بعث عراق (سکار ۷۶) در این شماره نگاشته را برای موم حزب بعث مطرح میکیم، با بورس ارا سکه معجات محدود سربہ ما اجازه برداختن تفصیلی بہ این موضوع را نمیدهد و ناگزیر مطلب را با احوالی که حدسنا بہ ما بعث آن لطفہ میزند، می آوریم و بہر حال نوصیہ میکنیم کہ برای غنی تر کردن دانش سیاسی خود بحولالتسم فرن احرد جا و زمانہ را مسورد مطالعہ فرار دهند، زیرا بنا معنادما سربوت حبش دموکراتیک و ندا میرا لسانی و سز حبش کمونیستی در مہمہا ما با آخہ سوزہ در کورہای دیگر منطقه میگردد، ارا طہای سکا تک دارد.

ویژگی ضد کمونیستی اندیشہ بعث کہ ابتدا فقط رنگ انتقا دا و تجربہ سوسیا لیسم در اتحاد سوروی (زمان استالین) را داشت و تحت تاثیر سیر شوشہ ضد کمونیستی آندره ژید (با زکشتت از شوروی) بود، در میرا انجرا فی و راست خود منجر بہ این سکہ حزب بعث عمیقاً بر ضد منافع واقعی طیفہ کارگرو زحمتکشان عرب و در خدمت بورژوازی و امیربا لیستہا در آید. (۲)

"حزب بعث عربی" رسماً در سال ۱۹۴۷ تشکیل شد و در سال ۱۹۵۲ پس از وحدنی کہ بین این حزب و حزب دیگری با ہمین ماہیت نام "حزب سوسیا لیست عربی" بہ رهبری "اکرم حورانسی" بوجود آمد مدینا م "حزب بعث عربی سوسیا لیستی"

نا میدہسد، این اسمدها ن برکن، اسمی بسیار بی - مسامت چرا کہ این نامند و وظیفہ گر، نہ بعث بہ معنی "رستا خیز" ملت عرب، بلکہ بمعنی سرکوب آن است. همچنین در خدمت ملت عرب کہ تحت سلطہ امیربا لیسم است نمینا ند، و با لاشرہ سوسیا لیستی ہم نیست بلکہ سورژواژی میبا شد. ضعف تاریخی جنس کارگری و کمونیستی کہ ما سی از شرایط اقتصادی کار کم بر مناسط عربی و نیواشی و استداشی بودن عنصر آگاہ است کسرده کی وسیع اقسا خرده سورژوازی، تفرقه و پراکندگی بدد در حاضریہ عربی کہ ما سی از عقب - ماندگی مساسات اجتماعی است اختلافات و رد و جوردهای مسلکی را بطور بارزی در درون خود حفظ کردہ است. و در حالہای بی حساب

روستفکری - ششمه سیاسی (کہ ما از برتا مہد فنیق کارسان اطلاع نداریم) تشکیل میدهند و در سال ۴۱ اولین اعلامیہ خود را کہ حاوی انتقا داسی بہ حاکم وقت سوریه (دست ساندہ فرانسہ) بود میسر می نماید. عطفی در دوران داسخوشی در فرانسه، با برخی افکار سوسیا لیستی آنسنا شدہ بود و از طرف دیگر بہ سوسیا لیسم سورژواژی مبسی بر طرفان فلاحه آلمان دہسہ ۱۹۳۰ دلسکی داس او میگوید:

"ما از فلسفہ آلمان جنس آموخیم کہ حزبی روستاز ساندہای سرونی و روا سبط اجتماعی کردا شدہ حرکات تاریخی و تکامل اجتماعی است و اس سواد کہ چنان بیسی ما سوسیا لیستی ما را سیرداد. (۱۱)

او "سوسیا لیسم" را یک واقعیت جاودا ہ میسندارد و سار معروف حزب بعث را کہ میگوید: "تک ملت عربی دارای رسالی جاوداسی است" مطرح میکند.

اندسہ "بعث" سبیل تک اندسہ المناطی است. در این اندسہ بر ندہا شی ارا سوسیا لیسم - مگاسیسی با او ما سوسیا لیسم ارا طہی (کہ ہدوسیم سیرسد) و سکہ ما رہا شی از اندسہهای سوسیا لیستی خرده سورژواشی و اندسہ آلیسی در ہم آمیخنہ و ملغمہای نا همگون و سال آفرسدہ است. اس اندسہ المناطی عبت کردہ در ارا طہی اجتماعی آن روزجا معسہ سوریه و کورہای ماہ عربی و موضع روشنفکران طیفہ متوسط است و حسب از رشد جنس انقلابی سوادہی و کمونیستی را سنجوا رزی درخسود بہسہ دارد. مبشل عطفی در ماضیہای ما محلہ آفاق عرسہ - تخریہ بشوریک حزب بعث عراق - آوریل ۷۷ تا کسد میکند کہ "ما با ندآ لتریناسوی در سار کمونیسم مساختیم تا جوانان عسرت ندان عبت کسدہ نونند، بررا کمونیسم تنہا آ لترینا نسودوا ندسہهای کہنہ نمستوا نیست آنان را سوی خود جلب کند."

(۱) - درخا و زمانہ ہجہ گذشت، ترجمہ م. ج. روحانی.

با سقوط امپراطوری عثمانی در حاکم چہای اول، امیربا لیستہای اروپائی میرا آب آسرا خون گوشت فریادی سن خود تقسیم کردند. مسمنہای جنوبی سورمنہای عربی بعضی مناطق حلب فارس، عراق، اردن، فلسطین، و مصر سہ ایکلسان و لسان و سوریه ہ فرا سہ رسند. مناطق دیگر عربی مالا الحار و سوسیا لیسم از سبیل در دست فرانسہ بود، لسی در احوالی ارا سبلیا و سوادن سز سہ ایکلسان عطفی داس. در ماضیہ دو حاکم چہای اول و دوم برخی ارا سی مناطقی ارمستمر ہونند بحب الحماکی مستقیم "ارتقا" نامہ سوادا شدہ بود ا لسم سورمنہای سبار عبت ما ندہ مسلکی کہ سہا دہای بر ندہا رزی را سز ما خود داس سراسر منطقه عربی حکم - فرما بود. در اس ماضیہ جنسہای روستیسی، و انقلابی مدہنی و غیر مدہنی و سراسر ما سبلیا ما رکتیسی ما ہ عرصہ وجود پیدا دند (برای مثال در لسان طی سالہای ۱۹۲۰ و در سوریه و عراق طی سالہای ۱۹۳۰ حزب کمونیست ما سی کت ا و در محدودہای ارا سبلیا اجتماعی ما سراسی ناصی کدار دند.

سن ارا حاکم چہای دوم، ہمرمان با او حکمری جنس استقلال طلبانہ ملی در سراسر چہان و سوزہ سوری، و ہمرمان سبلیا سوسیا لیستہا برای ایجاد دولت صہیونیستی ارا سبلیا در فلسطین، حبش ملی و آرا د احوالی ہا نہا اعسراب کسرس وسیعی یافت، و سوان سورس و اعصاب و فضا مہای سوادہای در سراسر منطقه و رستند گرفت.

حزب بعث یکی از ما رما سبلیا سیاسی مہم و موثری است کہ بنا استفادہ از جنس ارا طہی در حین حواسی از منطقه عربی ما کرسہ، کسرس پیدا کردہ و سہ حیات خود نا کنون ادا مہدادہ است در اوا خرا لہای ۳۰ و اوائل ۱۹۴۰ دور و سرفکر سوری بنا مہای مبشل عطفی و ملاح سطر کہ پس از تحصیل در فرانسه بہ سوریه با رکتہ و بہ سدریس در مدارس اشغال داسند. محطی سبلیا

(۲) - ما سان دکر است کہ در ایران سزیک حریان ارا طہی و راست تحت تا سیر اندسہهای ہمین کتا ب در درون حزب تودہ در سال ۱۳۲۵ سبصد بوجود آمد. حلیل ملکی و حلال آل احمد و ... از حزب تودہ اسعاب کردند. آل احمد کتا ب آندره رسد را سرحمہ کرد. ژید سبلیا سرفری بہ سوروی سقرنا مہا ز کشتا رکتور شوروی و نیز از سوسیا لیسم سوروی را نوشت. این گرایش راست بہا سترنا سونال سوسیا لیست کہ کرا یسکی و کلدا ما بروویلسون انگلیسی در اس آن قسار دارند پسوند مسجورد، وسدہا بہ حمایت از با طلاح سوسیا لیسم نوع دویچک در حکملواکی ما نجا مد اصعرا ح سیدجواد و آل احمد و دیگر نویسندگان ارا سی کہ با آنان ہمفکر ہستند، اندیشہ آندره ژید و بعد دویچک روپیو نیست را "سوسیا لیسم انسانی" اصطلاح کردند. گویا اگرسوسیا لیسم برا ساس ما ہیت اصیل خویش، بورژوازی را زیر ضربات خود قرا ر دہد "غیر انسانی" میشود! اینکسہ اینگونه نویسندگان نظیر آندره ژید آثارشان بوقر در دورہ شا ہ فروش میرسد آیا علت "محبوبیت" جلال آل احمد و برخی آثار او در دورہ جمہوری اسلامی ناشی از ہمین ضدیت با سوسیا لیسم و ہمین نقطہ مشترک راست نیست؟

تجاوزات فاشیستی عراق بہ خلقهای ایران و بمباران مردم عراق توسط رژیم جمہوری اسلامی را  
محکوم می کنیم!

سیاستهای استعماری جهت جلوگیری از رسیدن اندیشه‌های انقلابی و مارکسیستی و نفوذ دیرینه توهامات مذهبی، راه را برای رسیدن به اهدافی از تقاطعی و بینا بینتی نظیر تبعیت با زکد اشت و حزب بعثت یا ما هیت خرده بورژوازی و بورژوازی (عمدتا بورژوازی) خودنواست با استفاده از این موقعیت، تخریب در کلیه کشورهای عربی هوادارانی برای خود بنا نمودن انگلانی سو خود آورد.

با گرفتن دولت اسراشل در سال ۱۹۴۸ میلادی و سرکشی که ملت عرب را نهاد میبند، زمینه‌ها برای پذیرش اندیشه‌های ناسیونالیستی سخت فراهم آورد. شرایط سیاسی دیگر منطقه از این فرار بود:

ناسیونالیستی با صریح نواسه بودند در مصر رژیم سلطنتی را وارکون سازید (۱۹۵۲) و در مبارزه با امپریالیسم سلطنت انگلیس پیروزی - هائی بدست آورد و یوزده درجک کمال - سوئیسال ۱۹۵۶ و مخالفه با آنها همه جا سسه فرانسه، انگلیس و اسراشل انظار چنان گمان و یوزده عرب را سوی خود جلب کند. کوسسها در سوریه، عراق و لبنان بصورت خطری جدی علیه امپریالیستیا و دست ساندگان داخلی آنها در صدد صدور اسراشل در کالیم انقلابی، حساب بورژوازی را که منکوشه قدرت را با سقوط رژیمهای متوادللی بدست کرد در سره و یارمی - ساخت. موج مخالفت نوده‌ای و انقلابی علیه انفعال "نیما ن بغداد" و قبول دگرگین آرزها و منطفه در ادومی نوردید، دارودسه‌های سیاسی و اسسه به آمریکا - منحل در لبنان - محبور شده بودند در برابر امپریالیستیا برای حفظ رژیم خود کمک بگیرند و کابل سمعون رئیس جمهور و ولت لبنان برای مخالفه موقعیت انقلابی این کشور و سرکوب حسین دمکراسیک مردم لبنان در سال ۱۹۵۸، از آمریکا تقاضای مدخله می کرد. نیما ن بغداد که عراقی سلطنتی و ترکیبه اعضای اصلی این بودند، با مبارکب آمریکا و انگلیس سوریه را تهدید به دخالت می کردند و مرزهای شمالی سوریه محل تمرکز سرو - های نظامی سرکوبند. در حین سرابطی، حزب بعث که در سرابرموج نامیرمیتاب مخالفه و بسبب بداشت، برصت طلبا به خود را آن هما هنگ ساخت و پیشیا دوحده دو کشور مصر و سوریه را مطرح کرد در همان سال ۵۸ این وحدت عملی گردید و حزب بعث نواسب برای اولیس بار طعم قدرت را چشد و اگر م حورانی یکی از رهبران آن معاون ریاست جمهوری "متحد عربی" - که سوریه یک اسان آن بود - گردید.

یعنی ها که اسطر را شنند از وحدت با ناصر، اسب را هواری برای سرکوب و کسب قدرت هر چه بیشتر خود سازید، وقتی بار قات و سرخی تا سرور پیرو شدند، وحدتی را که آئینه آن دم میزدند زیرا کدارده این با در اسباب و

تقسیم "جمهوری متحده عربی" به مقدم کردند و بس از سه سال و سیم که از وحدت دو کشور سوریه و مصر میگردد با ارجاعی ترین اسرا ن ارتسی همدست شده طی کودتای حدائی سوریه از مصر را اعلام کردند و سرعاً فوا سینی را که طی دوره وحدت تحت ناسیونالیست نامرتنا حدودی تنوع زحمگان وضع شده بود ملغی نمودید، به اسن برتنست یعنی ها یکی از بحار ب "وحدت" و "سوالیسم" خود را ست سرکدارید، آنها ساردا شمی سان "وحدت"، "آزادی"، "سوالیسم" را بهمنس برتنست ساد کرده اند. چیزی که آنها هرگز فراموش

یکی از ثمرات آن است، بارها گفته شده و ما به همین اشاره بسنده میکنیم.

**رژیم جمهوری اسلامی که مبنای بسیج مردم برای جنگ با عراق را "کافر بودن صدام و بعثی های عراق قرار داده است معلوم نیست چرا به سپاه بعثت نیازی سوریه حرفی نمی زدند بلکه بقول هاشمی رفسنجانی بخش "محرم اسرار" را برای اسرا ن ایجا میکند؟!**

سعی ها در عراق هم کارنامه ای موفقی نزار سوریه ندارد و چه سادتر! بکبار در سال ۱۹۶۲ علیه حکومت سوریه ملی فاسم که کراسنیای

- اندیشه "بعث" سمسبل یک اندیشه التقاطی است. در این اندیشه بریده هاشمی از ماتریالیسم مکانیستی با اومانیسیم و ناسیونالیسم افراطی ( که به حد شوینیسیم می رسد ) و تکه پاره هائی از اندیشه های سوسیالیستی خرده بورژوازی واید ه آلیستی درهم آمیخته و ملغمه ای ناهمگون وسپال آفریده است.
- رژیم جمهوری اسلامی که مبنای بسیج مردم برای جنگ با عراق را "کافر بودن صدام و بعثی های عراق قرار داده است معلوم نیست چرا نه تنها به بعثیهای سوریه حرفی نمیزند بلکه بقول هاشمی رفسنجانی نقش "محرم اسرار" را برای اسرا ن ایقامی کند ؟!
- " حزب بعث عربی" رسماً در سال ۱۹۴۷ تشکیل شد و در سال ۱۹۵۲ پس از وحدت سی که بین این حزب و حزب دیگری با همین ماهیت بنام " حزب سوسیالیست عربی " بر رهبری " اکرم حورانی " بوجود آمد بنام " حزب بعث عربی سوسیالیستی " ناهیده شد .

بکرده اند میا رردن بر حین دمکراسیک و صد امپریالیستی و سوریه حسن طنند که رکود و کمر زحمگان بوده و البته در اسرا ن در کار ساسب حقایق، ساسب اسرا ن سرکشی همکار آنده است. سعی ها با رها در کس و فوئی برای بدست گرفتن قدرت در اسرا ن رسای خود گویند. سر اسرا م در ۱۹۶۶ حمی اسرا ن سعی منحلده صلاح حد و حافظ اندک و سار کردید و رهبری اسرا ن حزب را حمله منسل عقلی را طرد کردند. اسرا ن اسرا ن یک سعی غیر نظامی نام مدکیورالاس - آسای را که حزب، حاج را در کال حزب نبود برتنا سب جمهوری سرکوبید. حکومت اسرا ن با ۲ سال سسرودا میا و رود طی اس مدب مواضع سسبا میرتانه ای حد در رابطه با سیاست اقتصادی داخلی و حد در رابطه با مساله فلسطین ایجاد کردند، ولی حافظ اندک رهبری حاج را سب درون حزب را در سوریه به پینده است و سعی در کنگره حزبی در سال ۷۵ رای کافی نسازورد و سیاست منفعلس اس ستوان وزیر مدافع در صال سرکوب انقلاب فلسطین در اردن مورد انفعال قرار گرفت، ساسک کودتا قدرت را بدست گرفت و خود را دبیرکل حزب معرفی کرد و اس نار همان کنگره را و راناشد سواد!

حافظ اندک ده سال است قدرت را در سوریه بدست دارد، هر چه بیشتر سوریه را سب و اسبکی به امپریالیستهای غربی گما نده و انتصا د سوریه را که نا حد قابل سوچی به بحارت منکسی است به اسما دمکیرا دوری تبدیل نموده است. سیاست بعثی های سوریه در صال مساله فلسطین و سعی که در سرکوب جنبش انقلابی فلسطین و لبنان داشته اند و کشتار هائی بطیر تل الزعتر

میرتانه ای جمدا سب کودتا کردند (روح سود سسبکار ۷۶) و بحسب و سرری عراق (و در واقع کل ندرت اسرا در دست گرفتند و سرکوب تا حد اسر کموسسپا بوده های زحمکن و خلق کسرد بردا حسد، سگال و سب سعف بدست حاج رسب خود - عبداللهم عارف که رئیس جمهور بود و طرفدار با حزب ارکار سربکار سبندولی محدود در ۱۷ روند ۸۸ ساله لیکر، صدام حسن و... در حزب را طی یک کودتا سبند کردید که اسرا ن ادا میدارد. ما در سار دگند سبده برخی ار عملگردهای حساسکارانه و منحلنی آنها اسرا در کرده اس و میسوان سدان مرا حد کردید. دو سبب حزب بعث در سوریه و عراق یکدیگر را طرد کرده و میسوان سعی قبول ندارند عراقی منسل عقلی و سللی عممی را که سب چیا رده سال سنی اسوریه طرد شده و بسبب عبا سنا محکوم به اعدام کردند، میسوان سنا سبدا اسن مورد احرام قبول دارند. همحسب احزاب بعث در هر دو کشور منکوشند در کشورهای عربی دیگر برای خود سعنه ها و هوادارانی ساسندولی فعالیت سعی در صدام کشورهای عربی اسرا ن سنا و سب حدودی سعی سمالی و سحر سب معسوع اسبست. سعی های دو کشور هموزمان سارهای اولسه خود را در رابطه با ززه با " امپریالیسم " و " وحدت عربی " و " مبارزه با صهیونیسیم " و " رسال سب حا و سب ملت عرب " تکرار میکنند.

حزب بعث که در اسرا ن پیدا سعی سسار رسبست گرفتن قدرت، منافع اساری ار خرده بورژوازی و بورژوازی ملی را ساسدکی منگرد و بدلیل عتف ماندگی شرایط اجتماعی و حلا ساسی از فعدا ن با انفعال کموسسپا، میسوان سب عبا صری از زحمگان سبده در صفحه ۲۲



# بگذار فدایی (انگیزت) و ارتجاع درهم آمیزد و نگهبان جمهوری اسلامی گردد!

(هما نجا) استدرج ما هیت طبقاتی رویزیونیستهای اکثریت مشخص میشود آنها می نویسند:

"... سا زمان ما در تلگرام مورخ ۴ مهرماه ۵۹ خود سه آیه اللہ خمینی صراحتاً نوشت که در شرایط فعلی دفاع از استقلال مبین هیچ معنایی جز دفاع از جمهوری اسلامی ایران ندارد.

ما اکنون قاطعاً به اس نظر را صحیح و ما دفاع می شناسیم و سه توده ها میگوئیم که ادعای "دفاع از زمین" در سراسر خاک و زاب رژیم عراق، تنها به سرطی معنای واقعی پیدا میکنند که سه دفاع از جمهوری اسلامی ایران در سراسر خاک و زاب رژیم عراق و نوطه های امپریالیسم امریکایی است.

رویزیونیستهای اکثریت اکنون آنکارا به مدافع بورژوازی نیستند. آنان دفاع از

مبهن راه معنای دفاع از جمهوری اسلامی و دفاع از انقلاب راه معنی جان ماحس در راه

جمهوری اسلامی میدانند، آنها دستان آغشته به خون جلادان کارگران و زحمتکشان، خلق کرد،

خلق ترکمن و... را بعنوان ناجیان انقلاب می بوسند، آنها حکومت ارتجاعی ای را که بجز

ستم و استخما بر سرای زحمتکشان و کشتار و سرکوب برای توده ها به ارمان نیا ورده است، مستابند

و از توده ها مسخا هستند که برای دفاع از آن خود را بکشتن دهند، رویزیونیسم اکثریت، آشکار و رو فح

است، دیگران زبیده بوشی خبری نیست، سوکری آشکار بورژوازی است، مدح و شای عربان رژیم

است که اجساد هزاران شهید مبین را سکوی پرشی برای رسیدن به قدرت کرده با تمام قوا به بساز

سازی سیستم سرمایه داری وابسته برداخت، بارها انقلاب را در کردستان، ترکمن صحرا، انزلی،

اندیشک، دورود، داسکا و... بخون کشیده است و با گلوله های امریکایی اش سینه پاکترین

فرزندان خلق را در جها رگوشه مبین خونین دمنشان در دیده است، هم اکنون که رویزیونیستها

اینگونه جمهوری اسلامی را بزرگ میکنند، فانتوم - های رژیم، سردشت و دیگر مناطق کردستان را

سما را می کنند، همه ها انقلابی در زندانهای رژیم بسر میبرند و انقلابیون بسیاری در خطر ترور

و شربا را قرار دارند، کارگران و زحمتکشان با زوا زهم در کارخانه های وابسته جان می کنند

و بشدت استخما می شوند، ارتش این نهاد سرکوب و وابسته به امپریالیسم بدست رهبران مورد ستایش

اکثریت با سازی می شود و... بر راستی کدام اقدامات جمهوری اسلامی ستایش آمیز است؟



بورژوازی بکشایند.

فدائیان خلق (اکثریت) اکنون به حاسوسان و نوکران بورژوازی بدل شده اند، آنها وظیفه

دارند که بیوی بره بیا نوازند، فرسکارانند هم از منافع بورژوازی و سزند و خاک در حرم توده ها

سازند و سوس به راحی سودرما به داران عمل کنند، از کار ۵۹ به سز و سوس بی از حد شدن

بخش اقلیت ما رکسستی از رویزیونیستها دیگر فدائیان به یک جریان بورژوازی استخا له پیدا

کرده اند. توضیح روند استخا له بک جریان انقلابی - خرده بورژوازی بک جریان بورژوازی رونیستی

از حد اس مقاله خارج است. ما فقط در اینجا میگوئیم تا ساس دهم، چگونه اس سادان

بورژوازی در مورد جنگ ایران و عراق سز ماهست طبقا نشان را اسکاری می کنند.

## سوسیال شوینیسیم تکامل یافته ترین شکل نوکری بورژوازی است

فدائیان (اکثریت) در مورد اس جنگ سه میگویند:

آنها اس جنگ را عادلانه و سبردی مسان انقلاب و ضد انقلاب میدانند:

"جنگ عراق با اسران جنگی مسان انقلاب اسران و ضد انقلاب عراق، جنگی است سن رژیم

که در راه مبارزه با وابستگی به امپریالیسم بر ممدار رژیم می که در مسرواستکی به امپریالیسم

گام نهاده است. جنگ عراق با اسران، جنگ بین رژیم است که از اردوی بهترین دوستان خلق جدا شده

و خود را بطور کامل در برابر آن قرار میدهد، سا رژیم که در جریان بک انقلاب فدا میرا لبستی

و در گسترش های بعدی آن بدترین دشمنان خلق را از پای در آورده و خود را در برابر آن قرار داده

است." (مصمیمه کار ۷۸) و نیز:

"ما و همه نیروهای ترقی خواه جهان حق دفاع را برای ساسی ملت ها کما ملا عادلانه و

سرحی می شماریم به همین دلیل وظیفه همه نیرو - های انقلابی است که با قاطعیت با اس

تجا و زگری مرتجعین مقابله کنند و بطور آشکار جانب دولتی را بگیرند که قریبانی این تجاوزات

مرتجعین شده است."

بس فدائیان (اکثریت) معتقدند که این جنگ جنگی عادلانه است، جنگی میان انقلاب و ضد

انقلاب است. این جنگ ارتجاعی نیست چرا که بقول "کار" نویسان: "جنگهای ارتجاعی - همواره از جانب رژیم های ارتجاعی آغاز میشود."

فدائیان (اکثریت) "اندیشه بگانه" دارند آنها به هیچ وجه گراستهای انقلاطی ندارند، منسجم شده اند، میدانند که چگونه با طبقا بگوناگون سرخورد کنند، سیاستسان نیستند بیرولتاریا، بورژوازی، هیئت حاکمه و... منحص است، در مورد جنگ اسران و عراق نیز آنها سه هیچ وجه دفاع طلب نیستند، آنها میدانند که نمی توانستند بدون اینکه تحلیل مشخص از ماهیت حکومتی طرفین درگیر در جنگ داشته باشند تحت عنوان دفاع از مبین حاش حکومت کنسور خود را بگیرند." (مصمیمه کار ۷۸)

آنها مسلح به تئوری هستند تئوری ای که بصورتی منسجم در تاسمی سعادزدگی اجتماعی حضور دارد! و رژیم و مدهای مشخص میدهد، تئوری آنها حاکم به سس طبقاتی دارد، آنها نسروی خود را صرف دفاع از طبقه ای می کنند که سادان تعلق دارد و خود از منافع طبقه واحدی دفاع میکنند. طبقه ای که اکنون از فرط کینشالی، فرسوت و منحصر شده است - میدانند که در مورد هر قضه ای چه سرخورد میس داشته باشند تئوری آنها بگروزه بند سباده و برای خود را سخته و تئوری سسیمی شای دار در بورژوازی سز سجد و سز منسجم تر و در عین حال وضع ترو شسف تر شده است. اس تئوری "واحد"، "تدوین انقلاط" و "منسجم گدا مس؟! اس تئوری که با شروع سیمان به احتیاط روگنده بندن پیداس مدریش از سید سل دوران سیمان به عصر امپریالیسم، منسجم و سیم فترده گنت چیست؟! اس تئوری که آنتی سز ما رکسسم و بنفوذ دشمن بیرولتاریا سنی بورژوازی در صفوف جنبش کارگری است. ساس رویزیونیسم" اس -

## جاسوسان بورژوازی قلعه را بروی دشمن میکشایند

بس از آنکه ما رکسسم در عرصه جهانی خود را بعنوان بگانه اندیشه را سا زنده طبقه کارگر تثبیت کرد، بورژوازی نه تنها با شیرسان و سرکوب ما رکسستها کوشید با آن مبارزه کند، بلکه بتدریج در با مبادا موشگنجه، ما رکسسم را نسرومندتر میسازد و برای مبارزه با آن ساد از درون رخنه کرد، بورژوازی دژ بیرولتاریا را مستحکم و نیز و مند دید، توپخانه بورژوازی برای درهم شکستن برج و باروی این دژ، بس حقیر و عاجز بود و چنین شد که رویزیونیسم بمانا به موثرترین حربه سیمان به داران آفریده شد تا با توجه به اینکه "دژ را از درون گرفتن از همه آس نتر است." (تاریخ مختصر حزب بلشویک)، به خدمت بورژوازی در آید رویزیونیستها بعنوان مدافعین بیرولتاریا وظیفه دارند، هایهوی راه بیا نوازند، در درون دژ بیرولتاریا رخنه کنند و سس سبا هنگام میس از خواب کردن توده های درون قلعه، قلعه را بروی

رژیم هایی که خلق های کشور خود را سرکوب میکنند نمیتوانند در جنگی به نفع مردم شرکت نمایند!



(قسمت ششم)

مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون  
تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳

پیکار: آیت الله خمینی در همان سخنرانی خود (مورخه ۴ تیر ماه) از کسانی سخن گفته است که به حمایت از ما همدن خلق به او نامه نوشته و حمایت از ما همدن را خواستار شده اند. ضمناً آیت الله گفته است که ما همدن، آنها را "فرستاده ها و اغوا کرده بودید" توضیح شما چیست؟ و به چه منظور با آن اشخاص تماس برقرار شده بود؟ رفیق تراب: مقدمتاً ما سه گروه که قبلاً از شهریور ۵۵ یعنی پیش از آنکه تعداد قابل توجهی از اعضای سازمان ما (در آن زمان ما همدن خلق) و تقریباً اکثر اعضای رهبری آن سازمان پلمبی شاه خائن بنا کنند با برخی از روحانیون که بطور رسمی اندیشه مبارزاتی داشتند و برداشتهای مترقیانه ای را از اسلام راه می -

آمد، سازمان تصمیم گرفت که از سسته محدود نسکیلاتی خود بیرون آید، رژیم را طی فعالیت تبلیغی وسیع افشا نماید و با برخی از مراجع و روحانیون و افراد مسازوسازان مواضع عام سیاسی و اعتقادی خود، حمایت آنان را از مبارزین در دست طلب کند، و احیاناً با تسخیر آن سود که رژیم خونخوار شاه انقلابیون اسیر را در زیر شکنجه در میدان اعدا میقتل رساند و با استفاده از کمنا می آنها و اهدافشان هرگونه تحریفی در مورد افکار و فعالیتها ی مبارزاتی آنان بعمل آورد.

آیت الله خمینی و روزنامه های اطلاعات و جمهوری اسلامی و کسانی امثال هاشمی رفسنجانی دعائی، بهزاد نبوی و دیگران، ما را که در آن سالها در یک سازمان انقلابی (مجاهدین خلق) فعالیت میکردیم به "فریبکاری" متهم کردند. این اتهامی است بیفایت نادرست. برعکس، این حملات گسترده و ارتجاعی علیه کمونیستها و مجاهدین را فریبکاری بزرگی میدانیم که با استفاده از ناآگاهیها و توهمهای موجود در جامعه، به شیوه همان کسی که بجای نوشتن کلمه "مار" شکل مار را بر دیوار میکشد و مردمی نادان را میفریبت اینان نیز به فریب مشغولند.

اعدا مده را "سپید" می نامید. و به ما را کمک نکرد. من مسائلی فراوانی دارم که همگی، سر... اساس خطایی که در قسمت های قبلی مصاحبه اشاره کردیم نشان میدهد که بسیاری از مخالفین امروز کمونیستها و ما همدن، موضع گذشته ان را بیعت غذا تغلب نفی بردا ده اند و با مدما سک عوا مفریبی را از چهره آنان در برد و حقایق را برای نوده ها روشن کرد.

در این میان خانواده های زندانیان و شهدای سازمان، بخش بسیار مهمی از اهداف ما بود. که تا آن زمان در آن سالها بسیار بده بود. داشتند و مسامحتها و بخشها و جلسات متعدد در قم و شهران و سپرستانها بر پا کردند که بسیار آنها فرصت دیگری میخواهد. در ادا ما این سیاست افشاگرانه و بسیجی بوده ای، سازمان ما برخی از اشخاصی که در آن زمان و در چارچوب اهداف طبقاتی خود با رژیم شاهتفا دو مبارزه ای داشتند تماس گرفت و آنها که مستقیم و غیر مستقیم از اهداف انقلابی سازمان مطلع شده بودند متحمل شده اقدام به ارسال نامه ها می برای آیت الله خمینی کردند:

آیت الله خمینی و روزنامه های اطلاعات و جمهوری اسلامی و کسانی امثال هاشمی رفسنجانی دعائی، بهزاد نبوی و دیگران، ما را که در آن سالها در یک سازمان انقلابی (مجاهدین خلق) فعالیت میکردیم به "فریبکاری" متهم کرده اند. این اتهامی است بیفایت نادرست. برعکس، این حملات گسترده و ارتجاعی علیه کمونیستها و مجاهدین را فریبکاری بزرگی میدانیم که با استفاده از ناآگاهیها و توهمهای موجود در جامعه، به شیوه همان کسی که بجای نوشتن کلمه "مار" شکل مار را بر دیوار میکشد و مردمی نادان را میفریبت اینان نیز به فریب مشغول اند.

ما پس از چندین سال کار سیاسی - تشکیلاتی مداوم و مخفی، خود را برای مبارزه ای سخت و انقلابی آماده میکردیم و در این راه خطرات و زحمات زیادی را تحمل نموده بودیم. ما بدرستی معتقد بودیم که در برابر دشمن، که عسارت از امپریالیسم و رژیم سرمایه داری وابسته شاه خائن بود با دیده هم نیروهای خلقی را بسیج کنیم و از کلیه نیروهای که فکر میکردیم در این راه با ما هدف مشترکی دارند، یاری بخواهیم.

یک نامه را مهندس عزت سحابی به آیت الله نوشته بود. نامه ای مفصل از هاشمی رفسنجانی بود که نسخه ای از آنرا خودم به نجف بردم. در این نامه نویسنده نه تنها از ما همدن خلق بلکه از فدائیان خلق (بخصوص رفیق شهید مسعود احمدزاده) بخوبی یاد کرده، حمایت آیت الله را از مبارزین خواستار شده بود. در اینجا با زهمه تغییر موضع رفسنجانی و امثال او با اشاره کنیم که دقیقاً بدلیل آنکه امروز قدرت را بدست گرفته و به صف بورژوازی و ضد انقلاب پیوسته اند، موضع گذشته خود را زیاده بردارده و در سخنرانیهای خود به کمونیستها و ما همدن لحن برکنی میکنند.

آقای مطهری هم سفراتی شغالی به آیت الله کرده بود. نامه ای مهمتر از آیت الله منتظری بود که در آن، ضمن تأیید از ما همدن زندانی آیت الله خواسته بود بنفع آنان اقدام نماید و

دادند تماس داشتیم و از آنها به منظور "دستابی به ما همدن" و آن ونهج البلاغه "کمک میگردیم" ولی نایدن کنیم که در همان زمان ما به اسن نتیجه رسیده بودیم که به هیچ وجه نمی توانیم از آنان انتظار داشته باشیم که ما مطلع آنستروز خودمان "تدوین اسدئولوژی انقلابی اسلام" را برای ما سپرده بگیرند. گرایش ما به قبول برخی از اصول مارکسیسم، نقطه افتراق ما و آنان را تشکیل میداد. موضع طبقاتی ما و گرایش ما به سمت حل تضادهای درون جامعه به نفع زمینگان (هر چند این گرایش و سنجگیری جنبه کاملاً علمی نداشت، بلکه شدیدانه بده آلبسم آغشته بود) ما را بر آن میداشت تا آنجا پیش رویم که از ما رزه بگیری علیه امپریالیسم و لغو استعمار و رخسین بگوئیم و ما تر با لیسم تاریخی را در تحلیلها بمان مینا قرار دهیم. البته روشن است که سدهون ما تر با لیسم دیا لکتیک قبول ما تر با لیسم تاریخی معنا ندارد.

از میان روحانیون نزدیکترین فرد به ما آیت الله طالقانی بود ولی در مورد او نیز مثلاً نه کتاب "بر توی از قرآن" او را می توانستیم مبنای کل بیعت خود قرار دهیم و نه کتاب "اسلام و مالکیت" او را. بهر حال چون جای شرح و تفصیل این قضا یا اینجا نیست از آن میگذریم و در عین حال به این نکته نیز اشاره میکنم که ما از مواضع مبارزاتی آنان هر چند بسیار اندک بود تا آنجا که در توان داشتیم و در آن شرایط خفگان از دست سازمان ما که مرحله جنبینی و مخفی بودن خود را میگذراند، بر ما مدحاً بیت میکردیم. پس از تبعید آیت الله خمینی به عراق تا بدلیل و لیسن اعلامیه او پس از چند سال، اعلامیه ای بود در حمایت از انقلاب فلسطین و بویژه الفتح که همزمان با حج در سال ۴۷ صادر شده بود. ما این اعلامیه را ترجمه و در تعداد قابل توجهی تکثیر و پخش کردیم و این اولین کار تبلیغی ما در آن شرایط نیز محسوب میشد که تا شیر قابل توجهی بخشیدند و صدوقی برای کمک بطور مخفیانه در تهران ایجاد شد.

پس از ضربه ای که در شهریور ۵۵ به سازمان وارد

در حاشیه مصاحبه

آیت الله حسینی منظری در سال ۲۱  
مطابق با ۱۳۹۲ هجری قمری نامه ای به آیت الله  
حسینی نوشت که دلیل سوابق بلندی کلمه  
"خمینی" در نامه ذکر شده و در آنجا نیز به ذکر  
حروف اول اسم آن کلمه است. این نامه را  
یخانی زحمت و برضی نگه داشت و آن معلم  
مدرسه بود و دست به جاسوسی نیافتی دادند  
بدست آورده چو درمی دوست با حرم و درمندان  
نرسا رهبران که در حال حاضر بیست بیسی در  
سازمانها دارند دارند خارج برد. اسامی اخیر  
مانند بسیاری دیگر که در گذشته اسامی  
اس بود که برای عبادت خدمت انجام دهند.  
امروز سوار دست کوفتی ضرب در دست سوزواری  
و مدارات برای برگرداندن کینه سوزاندند  
کمونیستها و خاندان علی مسلمانان که  
نامه های آوریم اسامی که در گذشته اسامی داخل  
را برتر است.

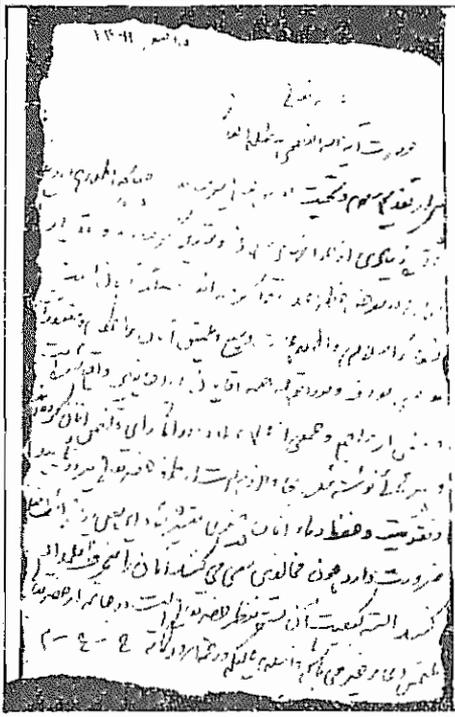
با همه نکاتی

حضر آیت الله العظمی مدظله العالی

پس از چندین سلام و تحیت عربی عالمی  
میرساند، حاشیه اطلاع دارنده زبانی از  
جوانهای مملکت و متدین ترسانند (حالی -  
کوسند "ترک برسانند" "او عده ای را تا در  
معرفی حیا را مقرر کرده اند (از مروری مجلس  
سور برای آن باغی اعدام میکنند) تطبیق  
آن با نسبت به آن برای اطلاع و وسیع و  
عمیق آن را حکما از معنی است و معنی معروف  
و مورد توجه همه آنها را و روحانیون واقع شده  
است (آقای سید حریفی در روز و امروز آفتاب  
چندینا جمعاً و دارد! اس دستها است که اس  
موضع طبقاتی آن است، که در تمام حسیه  
داشته... این معنی از مزاج و جمعی از علما  
سلاطینا مانی برای نخلی آنها کرده اند و حسیه  
- ها کی برنده شده، با و لازم است از طرف حضرت  
عالی سوزند و شدت و حفظ و ما آفتاب  
حزری منتشر شود. اس معنی در شرایط فعلی

با این در مان بگذا ریم، آیت الله خمینی و  
روزنامه های اطلاعات و جمهوری اسلامی و رادیو  
و کما سی که ارسته های احسان دهبیدان انقلاب  
- برای حوش و رفاهشان منسوب و بیرون ساخته ،  
به مرتب بوده ها برده خنه، انقلاب دمکراتیک و  
فدا میرا بسنی خلق را، هر چند وقت از بشروی  
مانع گشته اند، ما را به "فریقا ری" متهم  
می نمایند و اسرا می کنند که گویا در گذشته  
در طرح مسائل اعتقاد ما دروغ میگفته ایم!  
ما درک خود از اسلام را میخاستن میگردیم. ما  
روی پای خود استاده بودیم. ما مقلد کسی در  
امروزه ما میرا لیسیم بودیم. بود برای  
سازمان کردن اجازه از کسی نمیخواستیم، این  
منطق مبارزه طبقاتی بود که در آن سالها هسته  
های انقلابی شکل میگرفت و هیچ نیازی هم به  
اجازه رهبری سفیدان نبودند، سازمانهای

عقب سانس ما آیت الله خمینی ما توجه به  
سوانی عبد و با شاه، طلب کاری و بینمایسی  
او در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا در رژیم  
ما بود، ما آزادی و بهر روزی بوده های رحمتکش  
و سراسر آزادی ما "تحقیق آزادی های واقعی  
اسلام" را هدف داشتیم، در صورتیکه هدف سیاسی  
مبارزاتی آن اسامی بسیار محدود و مبهم بود.  
ما بخاطر همان التقاط و درگامگی در  
اندو لوژی ما، در عین حال که اخلال  
اهداف سیاسی ما، در همان با اهدا آیت الله  
خمینی را درک میگردیم ولی نسبت به تقاط  
اسراک او با خودمان دچار سوء فهم بودیم، ما حسی  
سراز و طلایی که از سواد های زحمکش ما -  
حاشیه بودند (بظرف همی آقا دعا می) و هنوز  
دندان به سفره رنگی سرما به داران برنده  
بود، فرق میگذارد اسم و اسامی از با نگاه  
طبقاتی ما و سرک همان برداشتهای نامی  
بود که در آن رژیم لیسیم ما غنیمت، در عین حال  
چون ترک کاملی از تحلیل علمی و فلسفی  
دارا بودیم، نسبت به نیروهای با سیکروکامی  
که تمام ما را رژیم امپریالیسم در خارج محدودی  
بر درجا رتو می نمودیم که ملا آیت الله خمینی  
مسوا و درک و موعج ما را نسبت به ما شل  
سازیه بودند تا شود و ما را برده ها!  
ساری، وقتی ما به اسلام نگاه میگردیم، "جهاد"  
و مبارزه آبی با دشمنان رژیم را می فهمیم و  
در راه راه خود را با هر کسی که در راه مبارزه  
امپریالیسم و رژیم دست بسته ما مبارزه کند -  
صاحب کمونیسم است. ما را در با اسامی (رحم  
بودند و عتاب مجا هدیه علی میبوی دوست و  
مقاله "در باره آنها ما با خبر رژیم" (۱۳۵۲)  
در صورتیکه رهبران اسلام که ما اسرا اندو لوژی  
حود بسنی میگردیم، ما برین سراسر ما هشت  
طبقاتی ما در کی دستگردانند، ما مبارزه  
افسار متوسط و با شن خرد سوزواری تحسین  
ز ما سادگی میگردیم که هر روز صحبت ما را بر ما  
- داری و اسنه، سمت طبقه کارگر را نده میسد  
در صورتیکه آیت الله خمینی عنصری ما را  
سلطنت، خرد خرد سوزواری مرفه سنی را  
ساستی میگردیم و ما دی حکومتی بود که ما  
و سگی "ولاست نفس" مشخص میشود و به سراسر  
اینها او به اصل مالکیت خصوصی سوسائل تولید  
کا علاوه اعتقاد دلسوزان و محدودیتی هم می -  
سواند برای آن فائل باشد، طلب اینکه کسب  
"خمس" در مان ما ده "تهیه شده سوسله ما زمان  
(مجا هدین) اسند در بین برخی از طرفداران  
ما زمان ما را حسی و مخالف برمیگسخت، همین  
مسئله تا کید آن کتاب برالفا: استعمار بود  
(هر چند آن کتاب، بحقاً طرحی علمی برای حل  
مسئله استعمار را میخواست، اما شده و آغشته  
به التقاط بود).  
در ادا ما سیاسی که برای ما گفتیم در همین  
ما سال ۵۵ ما تصمیم گرفتیم نامی ها را  
آیت الله خمینی، اصول نظرات و بین خود را



بروردن و در حوض محال پس بی میکنند آن را  
بحرف نامدا کمید (فحالی) آروز رژیم ما  
بود آن با آن حوضی آسرا گرفتند اسند و  
ساخته شده است! (الفقه کثیف آن سینه نظر  
حضر سانی است. در حاشیه از حضرت عالی علمین  
دعا خرمینا سوا السلام علیکم ورحمدا لله و برکاته  
ح - ع - م (آری، ما ما!) حفظ منافع طمعی  
حاشیه و در سانی سنی شامه، فقهی عالیقدر  
و مزاج و محبت عظام، دیروز حسین میگفتند  
و امروز فقط میگویند "ما فرب خورده بودیم!"  
سما با اعتبار موضع طبقاتی که در تقاضا قدرت  
حاکم قرار داشت، بهر خود و اندو لوژی خود در  
مبارزه سراسر ما در در ساد ما همدن و دیگر  
اسفلاسون می یافتند و خبر و مسیوت به آنها  
منکر سید ولی امروز سدهای آن را "دزد"  
سما مدو برای زنده ها ما خط و نشان میکنند!

انقلابی نه با احاز کسی سوجد آمده و سینه ما  
تکذیب کسی از هم میساخت. اما روزنامه اطلاعات  
که سازمانهای انقلابی را فرما بی میبندارد،  
وقتی به تکرور سب از سخنانی آیت الله  
خمینی، ما زمان مجا همدن را وعده مینماید شدن  
میده! (برمقاله اطلاعات ۵ تیر)  
ساری، ما بر ما س همان بینش سیاسی که  
ذکر کردیم و با همان نوع محدود ما آغشته  
توهم، در همین ۱۳۵۵ جلساتی با آیت الله  
خمینی ذاتش و رفیق حسن روحانی (سراد ر  
ما ده ما در آن زمان) نظرات ما زمان را در زمینه  
اندو لوژی، استراتژی مبارزه مسلحانه و تحلیل  
از وضع جامعه، تاریخچه انقلابات اجتماعی و  
فدا میرا بسنی و... را بتفصیل برای آیت الله  
سما کرد. خود رفیق، با دقت بیشتری به این  
سؤال شما میتوان پاسخ دهد. ادا مدار



### امپریالیسم آمریکا عربستان سعودی را مسلح می کند

پس از سقوط رژیم سربرنده شاه امپریالیسم آمریکا بیش از گذشته تقویت رژیم وابسته عربستان سعودی برداشته است. جنگ ارتجاعی ایران و عراق فرصت دیگری بود تا آمریکا نوکران خود را بیشتر مسلح نماید و یغوندا میراث لیستی خود را در منطقه تحکیم کند. هماکنون کبیته سید دولت کاو رتجیدی پیش چهره وابستگای آواکس تحویل رژیم ارتجاعی عربستان داده اند. هواپیماها که طبیعتاً اصلی سان جاسوسی در منطقه است فادرسه کرد آوری اطلاعات از اسفند ۴۰۲ تا ۵۶۳ کیلومتری می ناسد. بدینسان تحویل این هواپیماها در یک سوب ۹۶ کارستان نظامی آمریکا برای نصب و کار رانداختن دستگاه های رادار به عربستان رفته اند و در سوبتی دیگر از جانب سنا کون چهره مدبران از متخصصین موسکهای زمین به هواپیمای این کشور اعزام شده اند. البته تا کعبه نماز که در عربستان سعودی بین ۱۵ تا ۲۵ هزار مستشار نظامی و جاسوس آمریکائی و حدود ۲۵۰۰۰ مستشار جاسوسی و انگلیسی وجود دارند. این مستشاران امپریالیستی، آموزش و هدایت ارتش ۷۰ هزار نفری سعودی و سلاحهای مدرن آنها را به عهده دارند.

بعلاوه امپریالیسم آمریکا اخیراً تعدادی موسکهای ضد هوایی "هاوک" در اختیار عربستان گذاشته و سطح ناوکی در جنوب سرخی حلیج فارس مستقر کرده است. در ضمن آمریکا رژیم وابسته خود را درین راستا آموزش نگرده است. دولت کاو رتجیدی در یک مدتی که مدرن و مجهز به نورافکن های ویژه شده به باورن بدهند و اضافه بر این اعلام داشته است که رژیم حسن حلال میتواند سلاحهای ساخت آمریکا را به عراق بدهد بدین ترتیب می سسیم که امپریالیسم بانکی برای سطح خود و غارتگریهای خود چگونه از موقعیتی که جنگ ارتجاعی ایران و عراق بوجود آورده استفاده میکند و میکند و میکود تا سلاحها و ابزار جنگی خود را به رژیمهای ارتجاعی منطقه بفروشد. اس امریکنا ردیکرسان مدهد کند چگونه اس جنگ به امپریالیسم سودمندان.

### سوداگری تسلیحاتی امپریالیسم فرانسه

احرار امپریالیسم فرانسه روزیم سعودی یک قرارداد نظامی امضاء کردند. این قرارداد سه مبلغ ۱۴ میلیارد فرانک (معادل ۳/۴ میلیارد دلار) می باشد. براساس این قرارداد عربستان چهار رکتی دوهزاره میلی مخیز به موسکهای خودکار زمین به زمین، موسکهای نفت کش مخصوص ناوگان نظامی به ظرفیت ۱۷ هزار تنی و همچنین تعدادی هلیکوپترهای دو نفره مجهز به اسلحه نژده موسک مدهکشتی تحویل میگيرد. طبق این قرارداد نیروی دریائی عربستان که از یک هزار نفر بیشتر تشکیل شده توسعه یافته و مجهز خواهد شد. ایس قرارداد دخالتهای اعتراف وزارت دفاع فرانسه سرکترین قراردادی است که تا به کنون فرانسه با یک کشور خارجی منعقد شده است.

در ماه دسامبر امپریالیسم فرانسه قراردادی با قطر برای فروش رکتی مجهز به موسکهای زمین بدرعین با برده ۴ کیلومتر را منعقد نمود. بعلاوه مذاکراتی بین امپریالیسم فرانسه و رژیم سعودی دربارت اسعاذ قرارداد جهت تجهیز نیروی دریائی فرانسه در جریان است. بعلاوه جنگی پس که نیروی هوایی جمهوری اسلامی ضمنی از تجهیزات ایسای عراقی را بمباران نمود، عراقی برای اسراست از قبیه تجهیزات ایس خود که تا به حال فرانسه میباید، موسکهای زمین به هوای "کروسال" را فرستاده درخواست نموده است. براساس این جنگ ارتجاعی به چه کسانسی سودمیرسانند؟

از اینجمله حرکت نمیکند که این جنگ دارای ماهیتی ارتجاعی است و بنا براین باید با آن مبارزه کرد. آنان معتقدند که رژیمهای ایران و عراق "مترقی" و متعلق به "جهان سوم" میباشند و ریزبونیستهای ارتجاعی از اینجا حرکت نمیکند که این جنگ ضد مردمی برای کارگران و زحمتکشان و کشورهای فقیر، فلاکت و گرسنگی بسیار میارود و بنا براین باید قطع شود. آنان هیچگاه به منافع نژده ها نمی اندیشند، آنان همیشه از منافع بورژوازی حاکم در این کشورها حمایت میکنند. ریزبونیستهای ارتجاعی از اینجا حرکت نمیکند که امکان دارد این جنگ باعث تضعیف نفوذ امپریالیستهای اروپائی و آمریکائی در ایس کشورها شده و سبب جتا سوسیال امپریالیسم نوری شود که مترقه تری پیدا نماید.

ریزبونیستهای فدا نقلابی چین نگران آنست که عرصه غارت امپریالیستهای غربی توسط امپریالیسم روس تنگتر شود. بنا براین روشن است که بورژوازی ریزبونیستهای چینی از موضع ارتجاعی خواهان پایان این جنگ می باشد. آنان یکبار دیگر ضدیت خود را با انقلاب خلفان نشان میدهند.

### بقیه از صفحه ۴ تبلیغ ...

رها تبلیغ مارکسیسم لنینیسم را آنچنان با مسازات نموده ها در هم آمیزند که این نشوری بقول اسکس "به گوشت و خون نموده ها وارد شود" پس تبلیغ برای رخنه در نموده های وسیع برای وارد کردن نشوری مارکسیسم به گوشت و خون نموده ها از طریق شرکت فعال در مبارزات سیاسی و اقتصادی نموده ها، پاسخ صحیح به مسائل مبارزه طبقاتی و بطور کلی برای رهبری این مبارزات ضرورت حتمی دارد و چنانکه بعداً خواهیم گفت تبلیغ از دیگر وظایف عملی می باسینی بیشتر در نموده های وسیع رخنه کند و آنرا با بسوی مارکسیسم و راه حلهای انقلابی آن جذب نماید.

پس از آنکه نظریات لنینی تبلیغ را بنکا فهم و قانع نمیدی ها، از تبلیغ را بررسی کنیم. از دست بیک نکته اشاره کنیم: از آنجا که تبلیغ برای ناشر گذاردن و جذب نموده های وسیع، ابزاری مهم و حیاتی است، نهنها کموسیتها، بلکه سرمایه داران و اوسولا نمایندگان سیاسی کلیه طبقات بدراسا رجهان همواره به آن توجه فراوان میدول داشته اند. تمام طبقات جامعه همواره کوشیده اند، پاسخ خود را به مسائل مبارزات طبقاتی نموده ها از دیدگاه منافع طبقاتی خودشان بدهند و بطور کلی ابدنولوژی طبقاتیشان را بنمایان نموده های وسیع ببرند، تا حاکمیت طبقاتیشان را ممکن سازند. مثلاً طبقات استعما رگدر وطن تاریخی همواره کوشیده است تا با تبلیغ خود، مبارزات طبقاتی نموده ها را به بند کشند و آنرا در چهار چوب منافع طبقاتشان بکار گیرند و در این راه از یک کلیه با بسوی رخنه در نموده های وسیع



### موضع چین در باره جنگ ایران و عراق

ریزبونیستهای چینی، معتقدند که ایران و عراق جنگ موخود را با بدبایان دهند. منتهای تحلیل آنان چیست؟ ریزبونیستهای ارتجاعی

از یک کلیه با بسوی رخنه در نموده های وسیع



نقد و بررسی...  
"ادب مجید بر بزرگ...  
... به عهد کاری همداختارند...  
... بنا بدوما ارسن اسکا را کرده ایم و ما...  
... حدود مدبر دعوت شده اند... (انقلاب اسلامی ۱۹ مهر)

اکنون کارگران و رزمندگان ما را خود می پرسند: چرا رژیم جمهوری اسلامی این سرگردان امیرالاسما را ردیکریه خدمت در ارسن قرار میخواهد؟ شما به داران هر دو کشور ارسن و عراقی برای دفاع از مصالح خاص خود شما مدسکا هیای سرکوتگر خود را در حرکت کنوسی سکا ر کرده اند، برای آنها ارسن رسی هزاران نفر از رزمندگان دو کشور کوجکریسی اهمیت ندارد، آنچه که اهمیت دارد، دفاع از مصالح ظنیایی خود در مقابل شما به داران کشور دیگر است در همین رابطه می توان گفت که رژیم جمهوری اسلامی برای اصطلاح "دفاع از منبیس" تا در واقع دفاع از مصالح خود، از فرماندهان مردود را حراج شده دعوت کرده است که در حرکت شرکت کنند و البته که آنها سرسراجان و دل نسیندان کار داده و حوا همداد، چرا که اس مردود - ان برای هموار کردن راه نفوذ گام امیرالاسما - لیسما چاره ای حرجمند کردن به سرور زواری ندارند، حال تا خود به عوار دتوی رژیم جمهوری اسلامی بخصوص نسی صدور حسی از دعوت فرماندهان مردود را ارسن ساهی به کار محدود و حدت دارند:

۱- بعیوت و با رسانی که مل ارسن آریا مپری: رژیم جمهوری اسلامی بوا سطر حجت ارسن و عراقی فرصت مناسبی برای با رسانی کا مل ارسن آریا مپری بدست آورده است همه ما، اعتراف ما و او را همیشه بشما و نظا هراب رزمندگان وخصی برسئل انقلابی ارسن در متحدان سکا ه سهران را بنا دداریم و مینداسیم که از حمله حواسنیای آنها ا حراج و محازات امیران و فرماندهان حنا سکا را ارسن آریا مپری بودا ما رژیم جمهوری اسلامی در پاسخ به حواسنیای مردم و برسئل انقلابی، آنها را دستگیر و رسیدایی کرده و برسئل مبارزان را ارسن ا حراج کرد و در مقابل شما را ن مردود و سرسپرده ای همچون مدسی، فرید، علوی، طهبیتر را دولاجی را در سنیایی فرماندهی خودشان انعام نمود. مردم رزمکنس ما می یزسدان شان در زمان حاکمیت ما به چگونه به معنای "سیماری" رسیده اند، آنا بجرار راه نسل عام حلیفهای زحمتکن ارسن بدسور ساه و حدیث مستقیمه امیرالاسما آمریکا میبوا سسد به چنین مناصبی برسند؟ مگر همین فلاحی بسود که در سحر سایی اس در داسکده آفری به مار سچ ۵۸/۴/۸ گفته بود:

"ما با شما سده به آمریکا با سم سرا و ما نسل نطابی ما و اسبه به امیرالاسما آمریکا می بانند و ما اصلا نمی بوا سم غیر میبهد با سدم." (همه ما به سر با روا انقلاب شماره ۹)

آنا حسی مردود را س می بوا سندا ررحمت - کسان و صانع آنها دفاع کنند؟ مگر همس "طهبیتر زاد" بسود که با همدسی "حمران" حاشن حاشیا و سا واکنش را در کردستان بر علیه حلیف کرد مسلح منکره؟ در اس رابطه منسی که ملاحظه میکنید قسمتی از نامه ای است که "مهدوی نهادان" فرساده آت اب الله حسی" به کردستان برای او فرساده است:

"تعتی ارادله و با هدد در دست است که در کردستان و آدراسان غریب تک بوطنند مرور در حران است بر افشودا لیه و مالکسی که در رژیم گذشته عامل اجرائسی با هدر سطر ه بوده اند بسو سطر اجرائی نظیر آقای دکتر حمران، سمسار طهبیتر سدراد، فرما شده لیکر ۶۲، سر هک سهران و سایر فرماندهان ارتشی و راندار مپری ناس - د دان منلج شده اند." (با مداد ۵۹/۷/۲۶)

اسان بوسر حمران آتای حسی و منصوب اسان هستند و با شما حنا ساتی که حقتسل ارمان بدسور رژیم سرسپرده با وجود سندا رنام بدسور جمهوری اسلامی احما داده اند ارجوس - تا سرتی اسران ساهساهی در سر رژیم جمهوری اسلامی و محبوب آت اب الله حسی می ناسند. اکنون سنی صدرالاسما مواقت آت اب الله حسی آت سنده ارسا سکا را ان ارسنی که حنا تا سمن بر هکس بسو سندر سب، سدر سب فرا حواد شده است. با در حرکت ارسن و عراقی شرکت کند، و بنول اسنا "حوست خود را با سب نماسد رزمکنان ما می برسند که جلادان بدسور حلیفهای ارسن با دستنیای ساری آلوده بچون رزمکنان امروز کویته میبوا سندا کینان "حر" و سکا راه کردند، سندا ما سنا، فرسی سس سب رژیم جمهوری اسلامی با اس سلسعات عوا مقربا نه خود میخواهد ارسن آریا مپری را برای سرکوت و کسار حلیفها، و سسرو ههای انقلابی بسو سب و سبب نماسد.

۲- کسار سیر حنا بد رزمکنان عراقی بدسب حنا سکا را ان ا حراج سندا ر ارسن

رژیم بعینی عراق با شما را ن مناظر سکی، سکو سی، مردم سندا دفاع مناطق حوسب ارسن را بپلاکت می رساسد. رژیم جمهوری اسلامی سس سلافی آن، از سنی القلب سس حنا سکا را ان حد منکر را به حاشن برای کسار رزمکنان عراقی کمک منکره، چون رژیم سندا بد در حاشنی که جان هزاران نفر از رزمکنان ارسن در سئل ارمان مپری اس مردودان سسری ارسن سدا سنا خان رزمکنان و حلیفهای عراقی بسو کوجکریسی ارسنی در سس اسان بخواهد سدا سب، و از آنجا که برسئل انقلابی ارسن از سنی دادن به اسس حجت و ادا به کسار حلیفهای دو کشور خودداری می کند سس برای کسار هر چه وسع سس رزمکنان عراقی رژیم از اسران و حلیبان ان ا حراج سده و اسبه به امیرالاسما کمک منکره.

حال رزمکنان ما می برسند مگر اس افراد

ا حراج شده حتی بسو خود رژیم جمهوری اسلامی "سا واکنش"، "سندا انقلابی"، "وطن فروشان"، "حاشن سندا و خلق" و "مفسدن سنی الارض" بسودند؟ اگر بسو سندا حنا سنا حال اعدا مسنده اندو چرا با رزمکنان برای خدمت در ارتش و جنگ با عراق و برای اصطلاح دفاع از منبیس سخدمت فرسار - خوا شده اند؟ مگر حنا سکا را ان ا حراج سده ارسن ساهساهی در اس حکت دلیل دیگری بر ما هب ارتجاعی و غیرا دلانه آن می ناسد، برای رزمکنان ما سکا ر کرس اس عنا مر سسز دور بسو رژیم جمهوری اسلامی امری ظنیی است. چرا که رژیم برای سرکوت بوده ها و انقلاب سازمند کمک اس حنا سکا را ان و مردودان سرسپرده امیرالاسما می ناسد.



ملا امرا طوران سرده ا را بسو ا ل برای سلطع انده "سرتی الیهی" خود سرسپرده ها و رزمکنان ارسن حنا سنا ساه بسو سکا و حلال و سنا ر ساسک مدهسی بسو سس سسز. رزه های سطر طیلوان لیکر با سس، لبا نیای طلا سنی و سرتی و سرتی، حسیای روانان که سرتی دوس سرتی حنل سسند، کا حنیای عظیم و اسنا ساهی - سس و سسدهای حرت لیکری که سنا سسند، در حصفت برای رجه در سس ان بوده ها، برای وارد حاس اند سرتی آان بد رزمکنان، برای وارد کردن احسان سس، ارغاب و احرام سس سسک بدسب سس احضلات طنیایی خود با رزمکنان، به کوسب و حوس بوده ها بود، در اس راه طنی سس با اسسنا ر کرا ر سده، سساک و عنا دات مدهسی هرا سنی، حصفت ساری، معماری، موسیقی حطابو... اداساب، وردهای سلا سسی و... اسفا ده منکرند.

همس منلجه میم که همه طنیاب و ارحمله بسو زواری منکوسنا سح خود را به سائل مبارزه طنیایی بوده ها با کوسب و حوس آنها در هم آمسرد صورت سرتی فعال در سلطع را برای کوسب سس - ها سدر حنا سنا منکسدا بسو سس سرتی فعال در ارسن سلطع سنی بوا ادعای سرتی فعال در مبارزات طنیایی بوده ها و سسب آن ادعای رهبری مبارزات طنیایی آان و بسو آرسان بسو سس سسرا داسب.

سلطع ار آنجا که برای حدت بوده های وسب اس می ساسنی سائل بوده ها را سسکا ملا در سطر منکره. سلطع برای آنکه سنا بوده ها در هم آمسرد، می ساسنی سسرا سطر طنیایی و احاس سسنا سسیر بوده ها و سسارهای آان را سنا سدا و سسرا در سطر کسرو اسسهمه را در سس منافع اسسرا سسک بوده ها با سدا سنا مدهد، سس آنکه سسنا ل حران خود بسو سس بوده ها بسو سسنا از آنان منفره بسود، ما با بسو سسدهای سلطع، و انحرافات روسوسنی و آنا سسنی در سلطع، ان سواع سلطع و انحرافات مربوط به آن، منسختاب سلطع و رابطه سلطع با سسوج و سسازماندهی را سسدر سسچ در سسارهای سدی بسکا ر خوا هم آورد.

ادامه دارد

### منقضیان ۵۶ برای کردستان یا برای مرز؟

طبق گفته بعضی از منقضیان خدمت سال ۵۶ که برای دیدن دوره آموزشی به تهران آمده اند رژیم تصمیم دارد تا عده ای از آنان را برای جنگ در کردستان بفرستد. این تصمیم چنانکه را نه رژیم باعث شده تا یکسری از افراد منقضی فرار کنند. رژیم حاکی می کند از سرکوب جنبش خلقهای ایران و از جمله جنبش خلق قهرمان کردستان قتل نمیشود. رژیم در جنوب سرمازان را به گوشت دم - شوب تبدیل کرده و برای جان آنان هیچ ارزی قائل نمی باشد و در کردستان به ارسال نیسرو دست میزند تا جنبش خلق کرد را سرکوب نماید.

### فرمانده نیروهای "جریکی" ارتش جمهوری اسلامی کیست؟

رژیم برای مقابله با ارتش ارتجاعی عراق در غرب کشور یک نیروی جریکی ایجاد کرده است فرمانده این نیروها تیمسار ملک نام دارد. این فرمانده مزدور ارتش شاه، در سرکوب خلق قهرمان عمان مستقیماً شرکت داشته و از فرماندهانی است که همراه ارتش آمریکا شاهی شاه به ظفر رفته بود و بعداً زقیام نیز از طرف رژیم جمهوری اسلامی برای سرکوب خلق قهرمان کرد، به فرماندهی عملیات میا با دگما رده شده بود تا از تحریکات ضد انقلابی خود برای کشتار زحمتکشان کردستان استفاده کند.

### آبادان ۵۹/۷/۱۹

ادامه جنگ هر روز سناریوهای فاسد رژیم جمهوری اسلامی و مردم را بیسترمیکند. با کفکوی - هائی که با کارگران و زحمتکشان دستم انزجار خود را از جنگ سانس میگردند رژیم را عامل بروز آن میدانستند. در میان زحمتکشان گروهی هستند که محاط طسرتا آکا هسی در ابر اوضاع با سانسان کسوتی، کرانیانی به وضع گذشته بسا کرده اند که این امر وظیفه نیروهای انقلابی و بیوزنه کمونیستها را در دادن آکاهی و افشاکری بیشتر و بیترمی کند تا زحمتکشان با بریدن از رژیم جمهوری اسلامی سمت انقلاب کشیده شوند.

### اهواز

بدنبال بروز جنگ سن دولت ایران و عراق عده ای از نمایندگان با اصطلاح مردم طرف خوزستان سراز برسدند. آنها در بحثها و مباحثه های تلویزیونی خود را هوازبا نواع توجیحات غوا مغربانه برای تطهیر ارتش آریا مهری و حا - دادن آن در دل مردم متوسل شدند و در همینجا موضع قدمردمی خود را بخوبی مشخص کردند. خا منهای این با اصطلاح نماینده مردم و سردمدار حزب معلوم الحال جمهوری اسلامی و نماینده امام در وزارت دفاع و ایفا امام جمعه

## منتخبی از اخبار جنگ

تهران و همچنین معاد بخواه، اپین عنصر جلاد و قاتل، در ماحسه تلویزیونی خود در اهواز می گویند: "مردم مسلمان و متعهد ما در شهر با دست خالی و الله اکبر در مقابل ارتش عسراق ایستادگی می کنند. فقط عده ای عیاش و خوش - گذران شهرها را تخلیه میکنند و... همین جمله برای بیان خلعت قدمردمی استان و همیالکی - هایشان گویاست این مرتجعین، مردم سید فاع را که حاضر شرکت در جنگ غسرا دلانه نیستند و به ناچار مجبور به ترک شهر شده اند، مشتی عثمانی و خوشگذران مینامد. در حالیکه خود جرات نزدیک شدن به خط مقدم جبهه را ندارند، از آنجا می خواهند که تن به شهادت بدهند!

### اهواز ۵۹/۷/۲۰

در حالیکه مردم سرسرازان شهرها ناچار به ترک شهر و سراز خود مسوند، را دیوا هواز و رادسو - های خوزستان مرتب اطلاعها در کرده و سسه مردم اخطار می کنند که هر کس شهر را ترک کند، با قوانین زمان جنگ ساوی رفتار خواهد شد. ادارات اطلاعیه میدهند و میگویند هر روز حضور و غیاب کارکنان به استناداری نسلم مسودا غا ثبیس هما شد زمان جنگ رفتار مسودا!

### دزفول ۵۹/۷/۱۶

در انرا صانت سه موک رمینی، به زمین منطقه سررگی در کوه خرسند که ۲۰ خانواد در آن زندگی میکردند یکی ویران شده است و بیش از ۶ نفر کشته شده است. این محله از محسرتش ترین محلات دزفول است. سرخر دسالی که خانه عمویش ویران شده بود میگفت: "همیشه فقیر فقرادر جنگ کسب مسوند، در این ناحیه سیایک خانواده کد

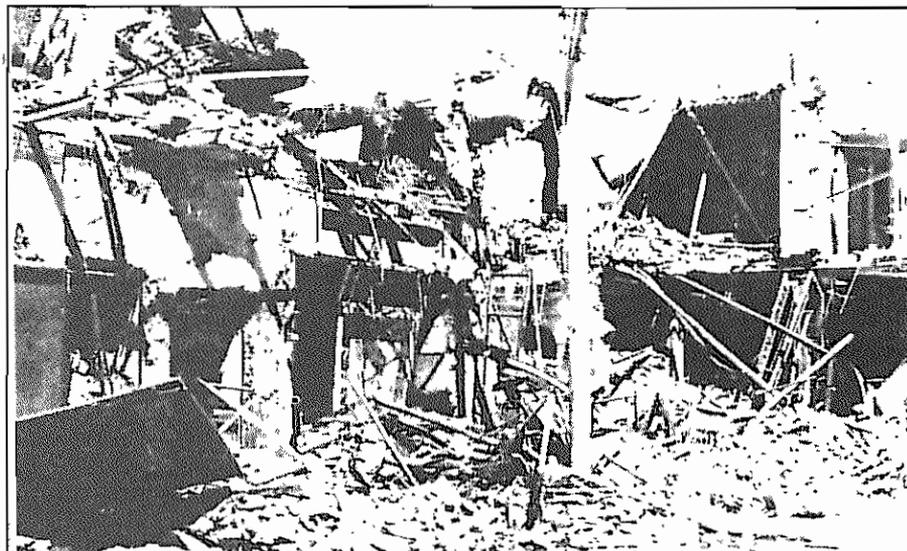
زیر زمین داشتند زواقه جان سالم بدر برده بودند. این مسئله نشان میدهد که اگر مردم ما از مسائل ایمنی برخوردار نبودند تلفات بسیار کمتری بود. اکثر مردم دزفول شهر را ترک کرده - اند و کسب در سنگرها دیده نمیشود. با سارا ن دانشم از مردم میخواستند که زیر لوای مساجد صلح شوند. مردم زحمتکشی که در شهر مانده اند با کمبود مایحتاج روبرو هستند. آنان در هر سرخوردی نفرت خود را از جنگ نشان میدهند.

### شیراز ۵۹/۷/۲۰

آبادانی های رانده شده از خانه شان، در ادامه جنگ تحمیلی و ارتجاعی دست به افسا - گریهای وسیعی زده و نفرت خود را از رژیم وحشک غسرا دلانه نشان میدهند.

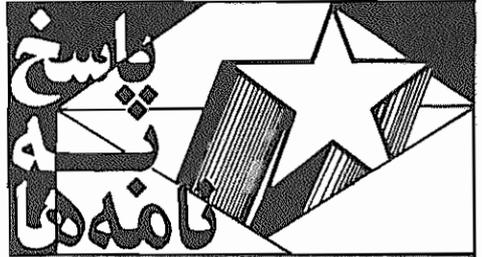
مقامات محلی با وحست از این فعالیست افشاکران که تا سرزادی روی مردم منگدار دست به اقدامات گوناگون زده اند ساه با سارا ن اطلاع داده و آنها را "فراربان از جنگ تامسده" و گفته عده ای از آنان را دستگیر کرده اسسم و "هشدار داده که گول آنها را نخورید" که "بناها نوکران حلقه کسوس اسرما لسم آمریکا هستند" استنادار مباحثه کرده و گفته که فقط حا سواده ارتش را حاصدهم و "امام جمعه" ترجع در نماز جمعه از مردم حواسه کده "روی ریجای اس - هاتفا سادارند" اس سمویه ای از رفصارعبر انسانی و ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی است کسانیکه ما هزار مرتب خود را از رژیم سمارا سهای ارتجاعی رژیم سعی عری نتاب داده و آوار سهرها کسب اند.

منطق رژیم ایست، در سهر سدا عسان سما سدا اگر کشته سدد سدد سدد سدد سدد می - روید اولی اس مرتجعین که لالائی سدد معلوم سست خرا خود سانس حواسان سبی سرد!



## بهره برداری عوام فریبانه رژیم جمهوری اسلامی از جنگ غیر عادلانه کنونی را افشا کنیم!





### رهنمود مادر قبال مسئله کوچ مردم جنگ زده خوزستان

رفقا! تعدادی نامه دستمان رسیده است که در آنها بر سریده شده است، در برابر مسئله کوچ مردم از خوزستان، رفقای هوادار چه ساستی را باید در پیش گیرند.

رفقا! کوچ مردم زحمتکش خوزستان به شهرهای دیگر نه از روی بزدلی و زبونی، بلکه به دلیل بیزاری و بی اعتنائمان نسبت به این جنگ ارتجاعی است. کوچ مردم از مناطق جنگ زده نشان مدهد که شعار ما منتهی بر محکوم نمودن جنگ ارتجاعی، براجتی در میان زحمتکشان مناطق جنگ زده، قابل تبلیغ است. و خودتوده ها نیز این جنگ را محکوم میکنند. این حرکت مردم نشان دهنده خط بطلانی است بر شعارهای روبرویونستیها، سوسیال ثنونیستها و کلیه دفاع طلبانی که انتظار داشتند مردم در این جنگ دست به مقاومت مسلحانه بزنند.

اما وظیفه رفقا در قبال توده های کوچ کننده: ۱- رفقا باید در میان توده های کوچ می کنند بیشتر تبلیغ را علیه جنگ برآوردند چرا که اینان از آماج دگی بیشتر برخوردار هستند.

۲- رفقا باید در ارسال کمک های مادی گوناگون به توده های کوچ کننده بخصوص سکنای آنها در شهرها و روستاها که با تمام توان بکوشند. ۳- رفقا باید شعار "مسکن برای کوچ کنندگان" را در میان آنان برده و ممالک دره انقلابی هتلها و مراکز عمومی و سکنای کوچ کنندگان را در آن ها تملیغ نمایند.

۴- رفقا باید سخنان ضد انقلابی افرادی نظیر آیت الله دستتبع که در شیراز علیه کوچ کنندگان سخنرانی کرده و آنان را "فراری و ترسو" خطاب کرده و از مردم خواسته است که به کوچ کنندگان خانه ندهند، افشا کنند.

۵- رفقا باید در ارسال هزینه سرپرستگزارشات و اخبار و عکس در مورد کوچ توده ها بکوشند و توضیحات خود را در مورد علل این کوچ و عکس العمل توده های شهرمان که کوچ کنندگان به آنجا رفته اند بنویسند.

موفق باشید

### رفیق شیرکو

پیشنهادت در مورد انتشار نشریه برای سربازان ارتش و فعالیت بیشتر در میان ارتش مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

### نامه ای از يك مادر

نامه ای محبت آمیز و در عین حال ساکنه و شکایت آمیز در عزیزی دستمان رسیده است ضمن درج بخش هایی از نامه، جواب آنرا نیز درج می کنیم.

ای سگار عزیز! با روزه های سختی و مشقت فراوان بحد بزرگ کرده ام. ۴-۳-۴ دختر که سا زحمت فراوان بزرگ کرده ام خودتان میدانید بزرگ کردن بچه قدر سخت است. الان اینها وقتی که با سدا رده من بگریه من برسند، سول بنا ورنده من سا ورنده بلامه به وضع من برسند... ۳-۴ چهار بار برای سرم خانه در سرم کردم و همه اش را داده سگار ۳ سال است سا زحمت و مشقت زیاد دختر بزرگ کرده ام سال می خواست معلم بسود برای من سول بنا ورنده بخاطر بیگاری بودی اخراج کرده اند. سگ خانه کوچک دارم- صبح میشود در را می زدن سگی از اینجا دوتا از آنجا و غصه می آید وقتی می رسد با سگها که را رید می گویند: (سگار)... سگ سرور و سگ دارم که سگاری ننسند و می گویند آنها کیست و آنها همه من خرج نمی دهند و می گویند بروا سگار بگریه منی دام- به صف نعت بروم- صد گوش بروم با من و بچه ها بهم همه شان برای سگار کار می کنند و به من نمی رسند- شما برای کارگران- زحمتکشان و مردم کاری کنید من راهم بهای یک زحمتکش بگذارید و به دردمی هم برسند...

الان تابستان است من میروم با رک و سرون می نشینم فردا که زمستان سدم حکا کنم به حال من فکری بکنند...

یک سوهر سروسگار دارم که چهار ده سال است که در خانه بسته است و هر وقت بچه های سگاری آید و میروند میگوید آنها کی هستند و از این سوا لیا و به هیچ کس هم درودالم را نمی توانم بگویم به زحمت، در ضمن من میدانم که سعادتم های خوبی هست و به سعادتم دارم من سارا از خیلی از ملاها ترجیح می دهم و سارا هم میداند که شما به هیچ کس نظری ندارید و همیشه کم می خورید و سارا دگاری می کنید. ولی من به آن سوهر سیرم چه گویم مردم که چیزی حالشان نیست هر حرفی داشته باشد شما بگفتن ما به دردم من برسید.

مادر عزیز:

ضمن تشکر از نامه محبت آمیزت در پاسخ به آنچه نوشته ای چند نکته را ذکر می کنیم:

اول از اینکه فرزندان شما در سنگراسان این چنین فعالانه مبارزه می کنند بخود افتخار می کنیم.

دوم از اینکه شما نیز با آنها در راه فعالیت های انقلابی همکاری می کنید، نیز بخود می بالیم.

سوم مادر جان! شما بطوریکه میدانسی، کمونیستها جز منافع طبقه کارگر و زحمتکشان، به چیز دیگری فکرنمی کنند، بنا بر این نمیتوان

### توضیح چند نکته مهم

۱- رفقا! در ارسال پاسخ به پرسشنامه بیگاری ۷۳ با آنکه سه هفته از آن میگذرد بسیاری از رفقا در پاسخ دادن تاخیر کرده اند. البته مسئله جنگ ایران و عراق و وظایف سنگینی که در این ارتباط بر دوش رفقا قرار دارد، باعث گردیده تا مسئله پاسخ به پرسشنامه تحت الشعاع قرار گیرد، ضمن اینکه این دلیل تاحدی موجه است، اما نباید مانع از آن گردد که رفقا نسبت به وظایف سنگینشان، از جمله پاسخ به پرسشنامه، سستی به خرج دهند. با رد گریز و آوری می کنیم که رفقا هر چه زودتر پرسشنامه را پاسخ دهند و برای ما ارسال دارند. در عین حال از کلیه رفقا می خواهم تا در مورد سفیرات و اراده در بیگاری از شماره ۷۵ و ۷۶ و ۷۷ و ترکیب محتوای و شکل و زبان آن نیز نظرات خوش را ارسال دارند. بویژه نظر کارگران و زحمتکشان در این باره از اهمیت خاصی برخوردار است. چه ما در این دوره جدید فعالیت "سگار" سعی کرده ایم در توده های ترمودن شریه بطور همه جا به بگویم. سگار رساله های نامیده است و ما ملک فضا و ب شما فرار کردیم.

۲- رفقا در ارسال اعلامیه ها، تراکت ها، نشریات محلی و فابریک برای "سگار" صورت فعالتر اقدام کنند تا ما بتوانیم سگاریه ای از آن ها را در "سگار" منعکس نمایم.

۳- بسیاری از رفقا، احبار و کارگزارانی را در نشریات فابریک و محلی منتشر میکنند. آن احبار و کارگزاران را برای بیگاری ارسال ما بنده! رفقا فرا موش نکنیم که نشریات فابریک و محلی "لتریا تودر سراسر بیگاری نیستند، بلکه مکمل آنند، "سگار" نشریه مرکزی سازمان است و نشریات فابریک و محلی با بدبجول مضمون این نشریه مرکزی فعالیت نمایند، وانگهی فرستادن احبار برای بیگاری و مندرج کردن آن در نشریات محلی و فابریک باعث میشود بیگاری نتواند نقش واقعی خود را در انعکاس و رهبری مبارزات توده ها ایفا نماید و نتواند به نشریه ای روشنفکری تبدیل گردد.

ارسال سریع و منظم اخبار از کارخانجات، محلات و موسسات سگرو... باعث میگردد که اولاً "سگار" نقش خود را در انعکاس مبارزه طبقاتی توده ها ایفا کرده، ثانیا نفوذش در میان توده ها هر چه بیشتر گسترش یابد، ثالثا به این ترتیب میتوان در برابر اتفاقات و مسائل جاری بسه سرعت موضعگیری کرد و بالاخره اعتماد توده ها به نشریه بیشتر میگردد.

پیروز با شید

از هیچ کمونیستی انتظار داشت که از فعالیتهای انقلابی اش دست بردارد و منافع خودش را بر منافع طبقه کارگر مقدم بنماید.

چهارم: کمونیستها هرگز سربا ر دیگران نیستند

### ملاحظات کوتاه

#### کشتن اسپران، سنت اسلامی؟

سعدا ز ظهور روز یکشنبه ۲۷/۲۰ حرفهای فلحالی ارزا دوپس صد، او میگفت: «اسپران حک را میگذرد، به معنی هم میگوید، «یکه در حیوری اسلامی اسپران را حلال کرده فواتین سن المللی گسند؛ مری عیب نیست، گمانی کدرند؛ اساسی مثل رفا دکتر سوسه سسرده ری، مینا رمعدی، رهبران خلق برکن، مسدود - مالخی وحم لذبتی و... را کشیدند؛ اسپران حک راهم گسند، گسند اسپران از طرف شور ویا بلتون حور ایکنگی از سعادت آنان برسا سمان ماده است، حالا برعقب حیوری اسلامی آنای فلحالی از آن نموان، تک گسند اسلامی دفاع میکند، کسی خمد؛ مدنا ندان؛ و آن هم که بکنند منجوا هم "ملک محمدی" برنا گسند بطور آن نس حرها بوده است!

#### افسار را به دم می زند!

فلحالی، او نظ معروف دربارنا دکدا ورا در حسماره سیرا حدی عمری کردیم دو سارده به لیل ریایی اماده و گسند است "بازرگانان ومدبران صانع در آغا انقلاب مجرا عصا بها وگوس ها برای ترا اندا حور ریمظا عوب بودند ودر آن مبارزه مان حق ویا ظل اربا رجان وصال دربع بگردند (حیوری اسلامی ۱۴ میو) انقلابی که سارالها بلاطم و سون و خور و زندان، ارحس خراج محدود سال ۵۶ شروع بدو تا نامرحمکنار قم و سرترو ۱۷ سپورسا تا مملحا به بوده ای ۲۴ سپس ۵۷ ادا میافت و به سرتکوسی ریمسا انا خمد، آسانی بودکه نا حور زحمکنان حور خمد و سارما ه داران از آن سو اسفا ده کردند و بکنند و حرف آفای فلسفی، حد الاسلام مورد قبول ریم جمهوری اسلامی حور حریف و فضا ماریخ، حورسن افسار سهدم الاع نیست، حور بود آنای فلسفی در برابر هزاران سپدار زحمکنان فقط یکی هم مار بازرگانان ومدبران صانع سراع میداد!

#### چاپو لگران "صلح و جنگ!"

امبرالینسها که خطب استنما و کراسدو انگلی سان بدمنها در حور حور رسد، هم از دوران با صلح "صلح" محور سهدم از دوران حک آسها که حسی عمدا جنگهای منطقه ای را برسا میگذردا خود سوس را سسرده، از عواطف مصیبت - باری که جنگ سن دور زمند فلحالی غیرای و اسپران ارحسه های محلی برای بوده های دو

رفیق م - از هسته هوادار سارمان اسلام شهر نامه رسد تحلیل سیاسی مورد سطوت در نشره شوریک سکا رخوا هاد مد.

#### اشعار رسیده

##### رفیق خ - الف

عری که خطاب به رفقای سازمانی ورفقا حور سن و روحانی سو ده و سرتا ده سودی رسد ماصن ارح سپدان سواسهمه صمصم رفقا به سوو کندی که سبت سدرما به داران و کلبه دسمان طنخه کارگرداری نعیده و وطنه خوش را بکا ر دنگر موردا گسند ترا مده هم که در راه حقی آرمان سولوارنا، با همه وجود کوسا با شوم و با سگون اسطاری با سیم که رفقای حور سو که فرزندک رحمکن، رحمکنی که مالپاد در آفات بالانگه آفادان سو خند است هسی "ار سارمان ما دارند، ایک حد سطر از سطر لند - رار سبت حور صحتاب سکا ریسی کسم:

رفیق! بد سداب در حور حور جاری کس، بر ا کدا و ح گسند است بود و بد حور سپدان خلق صم حور نداهم کدا بدسه های سارمانت را نا حورن نسیم، سمدار بوده هارم و آنکه که جلادان ریم حور سار سرت سار حورم، با م سارمان سگار ...



اررفعی مهرداد - لک سبر حورسن، اررفعی م - زهو دارا: آفادان سحر: مبارزه طبقاتی رتدگی ص است، "اررفعی کسا و رور - ر - امس سحر" سرت و سزه، "رفعی م - ن ۹۲ سحر" جنگ و اررفعی "مرکب سحر حور اسپران و خرای" نا سکرار ررفقا، سسطر در با سبت دنگر آسار هری سما برای صفحه هسرمقا و سب هسرد و لوسری هسرم.

سروز ساسد



رفقای حور دوزین، رفعی م - ن داس - آ مور، رفعی د - ح، رفعی ب - با زحبار محال - حسماری رفعی ع - ح ۱۲، رفعی د - س، آموز ارد سرتسان بدای آزادی، رفعی با سرت - م ، رفعی SI، رفعی علی کابوایی، رفقای محلاب حور غرب، رفقای کسسته کارمندان، رفعیس ر - با د نسجوی هوادار و رفعی داسخ آ مورج - از غرب، نامه ها سان رسد، سسشهادات و انفا دانتان مورد سوجه قرا گرفت، سرخسی ار سئوالات شما در با سخ به نامه های این شماره و سماره های فیل و در سوشنه های سگار حور اب داده سده است، صمن سکرار هم سار رفا دو مسرورد سخوردا سفقادی وفعالان به سگار، سسسطر نامه های سعدتان هسرم

سروز ساسد!

انفقا دشما به رفقای فرزندتان وارد است، آنها حینما با بد حور کارغای خانه، چه در کاره های رتدگی، چه در ساسن در آمدو... شما را کمک کند عا! رفزند! شما ان صرا منجوا! هم که به اس بکه سو حد استنا سدا و اگر در مورخا به سرتک بد زرد حتما سن وصعب را سسسرده هسند.

بمحم رفقای ما که فرزندان ما هسند اگر حد ساد سده رفقا لسنهای انقلابی حور سکتند اما سنا بد سنا لیب های آسها سرای حور سوا ده سان مرا حمت و با راحتی سو حور سوا ورد، ما به سس رحمکنان رسده ام، سسهمس دنلب حور سسسنم سرای آمان سزا حمت و با راحتی سو حور سوا و ریم ما در عورس! سدا و ریم سوا سسده سس سدر حور سکلالت کمک کسم، سسسطر ما به های دنگ - سرت هسرم، سار در و دفران!

#### سیاست آلبانی در قبال رژیم جمهوری اسلامی ایران

رفقای ریادی در مورد مواضع آلبانی سبت به رژیم جمهوری اسلامی ایران اظهار سسحسنت سب ددا سوا رباران حور سده اند که آلبانی را که اربا سطر اسپران حور اربا سسب، در حور آن نگدا ریم، سنا سده ای رفقا گسند اتر حه سنا و سدا ریم که بر حور رفقای آلبانی سبت سسب اسپران سرفا سانی 'رفعی' انقلابی آسها سنا سنا این هس: عمدا ددا ریم که سنا سمدنا ورده سنا سولوز سگ فعالی را با رفقای آلبانی در سرت سرت دند مجموعه سسائل اسپران و حوران سس سس سرت، در عس حال سطر سار سفا را در مورد ضرورت اسقلال اطلاعات اتر سار سطر اسپران به آلبانی سرای عسی سسر سمودن، آسها سسبت به وصعب سیاسی و قدرت حاکم در سمدنا سمدر همسن را سطر رفقای هوادار حارج از کشور در سرحه سسرتات سارمان و سسرار دادن آسها در ارحسار رفقای آلبانی، سنا سسب سفا لاه سرتکوسد.

##### رفیق ج - الف کارگر

نامه اب رسد، در مورد حورنا مه جنگ واهسب آن، سطر اب سوسرتنا سسده است، در مورد سسب آن نا سوجه محدود سسپای مالی سارمان فعالی کردن آن انگن سدارد، ولی سسبی کسسم حدافل سسب را سسرم و سسده هموارا مکان سورع معاشی آن سسز در موارد مشخص و حور دارد سسشهادت در مورد در سب کردن حور حورنا مه و "پیکار"، جهت ساد سرتشیدن اسن سسرتاب سرای کارگران و رحمکنان اقدام سسودیم.

##### رفیق کشاورز از ورامین

نامه ات در مورد شرح حکوگی استشمار سسرو توسط سارما به داران و سسنگران سس سسنان رسد سار زعم گرا سانی از شرح حال کارورندگی ات سارمان سسرت با سدر روز که هسرتوع سس سس و استسما را سنا سسود کسم.

### دفاع از زمین

سرما به در جنگ است  
و مدافعان نفا سدا را ستعمار  
کوچه ها و خیابانها را  
با زوزه های فریکارانه "دفاع از زمین"

بر کرده اند.

سمگران

رودررو

عرق کرده

خراسا مسکنند

وسا رشکاران

جا کارانه آنان را با دمیزند.

برده کسندگان

ران پروکفا در اهر

نسمه ز کرده برده ها برکشند

انبوه بردگان خودی را

به دفاع از حاکمیت بردگی محو کنند

و باران روز سادا

غفلت را با بزنی سمرند

نفا سهای سرخ دروغس را

از چهره میدرند

و سنا سناک

به دستگیرشان

سفرهای "دفاع طلسمی" سرمی آرند

★

آه ای وازه های مزور

ای سرقهای سبید تسلیم

ای کلامهای عربیان سازش

اینگ شما

با سرع سراسم آورنور

از صف سرخ رنجبران

فاطمه میگیرید  
اینگ تما چشمها خوا هنددید  
بروشهای لرزانتان  
این برچم خونین سوسا لیم نیست  
که افراشته میشود  
در عمق تیره مردمکها تان  
این اختران سرخ سوسا لیم نیست  
که سو سو میزند

اینگ شما

ترسان

بدنسال ستمگران

انبوه عاصی امواج خلق را

به ساحل سرما به فرامسوخا کنید

اینگ شما

اسمان سرخ خویش را

آشکارا

به بیگار توده ها

از دست میدهد

اینگ شما

اسماند با سرما به راه

با هزار زالیو استثمار

همچون دریای بیگران آزاد

تقدیس میکنید

اینگ تما منگاها خوا هنددید

این لجنزارسترون

چرا کا هرسبزی تان شده است

اما

ما رهروان بیگاری بی سازش

بی چشمداشت آشتی

با دشمنان آشتی تا پذیر

سلا بخلق را سی وقفه

بموی سرزمین سرخ رها می

خوا هم خوانند!

(سرتوک)

### < ملاحظات کوباه >

کشور بیبا رآ مده و خوا هآ مدن یاد گفته شده و مسادر  
اینجا به این نکته میخا هیم ا شاره کنیم که در  
نتیجه این جنگ طی دوسه هفته گذشته امپریالیست  
- های فرانسوی دوقرارداد فروش تجهیزات  
نظامی را با سعودی (بمبلغ ۳/۵ میلیار ددلار )  
و با دولت قطر بمبلغ ۳۰۰ میلیون دلارا مضاء  
کرده است . هواپیما های آواکس آمریکا شی هم  
با زب سعودی داده شده است .

جنگ با اشتها شی سیری نا پذیر مهمسات و  
سلاحها را می بلمدوا میریا لیستها با سرازیسر  
کردن سلاح به این چاه و بیل بحران درونیشان  
را فرومینشانند و اقتما در حال احتفان رشان را  
نیرو می بخشند !

### معما از زبان رژیم جمهوری اسلامی

رژیم عراق یعنی است . رژیم سوریه هم یعنی  
است . اولی "مردم مسلمان" عراق را سرکوب  
کرده و میکنددومی هم "مردم مسلمان" سوریه را .  
اولی حزب البعث و هیکار اسلامی عراق (که  
دوستان جمهوری اسلامی هستند) را سرکوب می -  
کنددومی هم خوان المسلمین را که با از  
دوستان رژیم ایران است . اولی در سیتا میر  
سیا ه سال ۷۰ در اردن در سرکوب انقلاب فلسطین  
شرکت کرددومی هم با دخالت نظامی در لبنان  
کشیا رتل الزمتررا باعث شد ، اولی با شوروی  
قرارداد دوستی چندساله دارد ، دومی هم همبطور  
اولی افتخارات ها یرون الرشیدرا میخا هسد  
زنده کند ، دومی هم افتخارات بنی امیه را .

حالا بگوئید چرا رژیم یعنی عراق "کافر" است و رژیم  
یعنی سوریه - بقول هاشمی رفسنجانی - "محرمان اسرار" ؟!

### بقیه از صفحه ۱۰ در چین ...

اول نخست وزیری استفاداده ، اما کماکان مقام مساون  
رهبر حزب رادرسدست خود نگاهداشت ، نکته ای که مهم است  
اینجاست که "ژائو زینانگ" که در انقلاب فرهنگی بعنوان  
روشن بین و نیست افشا شده بود به مقام نخست وزیری رسید .  
"ژائو زینانگ" و زینون نیستی است که دارای خط مشترک با تنگ  
میباشد . احتمال میرود که در کنفرانس آینده که در دبایمیر  
با ژائو زینانگ خواهد بود تفصیلات با زهم بیشتر در  
جهت تقویت جناح تنگ صورت بگیرد .

آری امروزگان رهبری چین از ایدئولوگها و رهبران  
مارکسیست لنینیست ، خالی شده و جای آنها را روینون نیست  
- های "پراتسین" گرفته اند . آری حزب مارکسیست  
لنینیستهای حزب نکشو کراتها ، مخصصین و بیوز کراتها  
روینون نیست تبدیل شده است ، اما ویژه گهای خنط  
مشي اینان کدامند ؟ "اجلایه مجلس ملی" چه خط مشي -  
ای را مورد تصویب قرار داده است ؟  
اما مه در د .

آری ، رژیم در فکر توده های که بر اثر ایسن  
جنگ کشتار میشوند ، زحمتکشانی که بی خانمان  
و آواره میشوند ، زنانی که بی شوهر میشوند و  
کارگزارانی که سیکار میشوند ، بی فکر قحطی ، گران و  
فلاکت زحمتکشان نیست ، بی فکر تنبیت خویش است  
رژیم به این می اندیشد که چگونه از توهم توده ها  
استفاده کند تا بیشتر برگردد زحمتکشان سوار  
شود بی مدر و آیت الله خمینی در فکر این هستند  
که چگونه خود را ناجی ملت جا بزنند و آنگاه  
توده های بیشتری را بفریبند و خود را تحکیم  
بخشند . جنگ برای زحمتکشان ما فلاکت و بدبختی  
به ارمغان می آورد ، اما رژیم کاسیکارانه بسر  
فلاکت و بدبختی توده ها تکیه زده و در اندیشه آن  
است که چگونه از فلاکت زحمتکشان بسود خویش  
استفاده کند . او کاری به زحمتکشان ندارد ، در  
اندیشه اینست که کلاهی از نمد نفرت انگیز جنگ  
غیر عا دلانه برای خویش تدارک ببیند . راستی  
چه نفرت انگیز است فدا انقلاب که فلاکت زحمتکشان  
را میخا هد به پلکان ترقی خویش بدل سازد ، اما  
اگر بتواند زحمتکشان را بگذارند ...

بقیه از صفحه ۱۸  
نیز اکنون به فریب خلق ستم دیده اردن پرداخته  
- آید و میگویند نشان دهید که انگار راه بازگشتی  
برای این سگ زنجیری امپریالیسم وجود دارد ،  
خبر تنها انقلاب راه حل خلق ستم دیده اردن است  
و سخنان شما نیز نخواهد توانست ، زحمتکشان تحت  
ستم اردن را بفریبد و گامهایشان را در راه  
سرنوشتی رژیم ملک حسین خائن سست نماید .

### ● نکته پنجم : بنی صدر از جنگ برای تثبیت رژیم استفاده میکند

در همان محابه بنی صدر گفت :  
"دور و پیش که نزد ما مبود ما نشان مطلب  
جالی گفتند : ... اگر ما در این جنگ  
بیروزشدیم این رژیم اسلامی بقدری مستحکم  
خواهد شد که هیچکس نه در داخل و نه در خارج  
از کشور به این زودبیا هوس توطئه نخواهد  
کرد ."



شماره از صفحه ۵

اخباری...

با ساداران (در همان محل) را حرا بکرده مقداری حرا با موهو سارهای انقلابی سردسوارها بحرا میگردانند. بعد از آنکه سیمرگان با آرمی عقب نشینی کرده سروکلها ساداران ساداسد کذا زبرسان سما مکوههای منطقه را سدرککار بستند.



۵۹/۷/۶ - سیمرگان مهران کومه لده در مسیر حاده (کا مزار) سندیج (اوسوسی را که حاصل ۴۵ سرباز بوده و سندیج می رسد اندک رسیده اند



۵۹/۷/۷ - در این روز سیمرگان سیکار (دسته شهید مسعود - شهید گرم) در حاده (مربسوان - سندیج) درس (بودار - سز سز) در ساعت ۴ سونی را که رسیدن بطرف مریوان در حرکت بوده رکنار می بندد در آنرا سیر - اندازهی ماسی آخرسون از کارافنا دوموسف مسعود. سربسوان آن در اسرا سیکار و عساکر سیمرگان از هرگونه عکس العملی عا حرمعاند از نیروهای دستم چند نفر کسه و رخمی مسعود که از بعد از تلغاب اطلاع دستم در دست نیست. بعد از این عمل سیمرگان سالمه با نگاههای خود بر میگردد.



۵۹/۷/۸ - سس از ۲۰۰ نفر حاس و سادار با سلاحهای سنگین و خساره روهرو ساسی حفا آنا حمله بردند اما در اثر مفا و م سیمرگان سوا نسند که داخل آبادی بقود کنند اس حمله از ساعت ۱۱ تا ۱۸ ادا شده است در اس درگیری آسبی به سیمرگان برسد است. اما در ارحماره باران کردن روساهای (آسوله، حفا آنا، سرباس، کوله ساره) در آسوبه بکنفر سیدو ۳۰ نفر رخمی شدند که حال یکی از رخمیا وخیم است. مردی که در سز دس ساداران به زخمی بدن دحسرا عتراض کرده ساداران سی سرما نه سیری به کف دست اووسیری سیکر به بران او زده اند.

بعد از اتمام درگیری بلافاصله بکدسه از سیمرگان سازمان سیکار سه سرحاده (کا مزاران - سندیج) رسیده و برای مافران اس حاده سه بحث و اساکری در باره ما هست دولت ایران - عراقی مسپردانند. حدود ساعت ۷ بکعد در تبرلسر برنج استان ساداری را گرفته و سربلرموق را ۲۴ تن برنج آن معاد ریه میکنند. راسده و کممک را ننده بعد از آنکه برایشان بحث مسنود آزاد میگردند. اس عمل در روجه مردمنا شیرفراوانی داست.

مزدوران رژیم از حمل موهو روستاشان اطراف کا میاران به شهر ماسعت به عمل میآورد نما موهوهای فوق در معرض فاسد شدن است. روحیه مردم خوب است و اسن توکران سرما به سنا چنین کاری میخواهند مردم را به زانو آورده تا از آنها تملق کویند اما سرعکس روز بروز روحیه رزمندگی مردم بالاتر می رود.



اشاراتی...

شماره از صفحه ۹  
بهی وحسی بحیثی ارکا رکنان راسوی خود طلب کند. سس اریدست کرشم مدرت، ماسفوع سوررواری نور و کراب را اساسا سادکسی میگرد. علسر عمآ بکده اسبا سادمانی سطر اطلاع با رصی و دولسی کردن صنایع و سنا بکها و باررکاسی خارجی در هر دو کسور ا فدا م کرده است و ساسر همان ساسب حمای و ساس سربسی که ذکر کردیم بحث ساسا رزبا بوده ها محسور به دادن اسمارانی محدود به سسی اسرار رجمکس سده اند ولی اسماران سید کارکران وز حسکسان ادا شده اند و بارریمیا کی که سوده سسکی را با سدرای موساس نور و کراسک و سلسی واریسی حسود سردار سدر سراسما ساد و سوده های سربوت سده همچان ساسلسفنا بدروع و اسحرافی، اسرار سز با اسمران سسم و سسوسم و اسراجاع داخلی سز داده سید. اسندسه سب و ساسب سادخلقی آن سیکر برای سوده های عرب حاده ای سدار دو اسر لاساط ساریجی به مسنود خود سدر سس مسود اس سوده کموسس سسنا سب که ساس ده سدا لبراسو واقعی و انقلابی سسند. سسی ها اسرور اسس حطرا ساسا سس اسرور سس سس حزسان سدرک میگرد. ما در مینا لئه سده ساسان حوا هم ادا دگسه روبروس سسنا سسای حاش سوری و عراقی اسس هسنا لکی های حزب سوده، حکومه سسای سوس اسس رزمیا رسبه و حفا سرباس سدر ساسکی سسه حس کوسسستی و انقلابی اسن دو کسور و ادا آورده اند

توضیح درباره کمکهای مالی

هموطنان مبارز، رفقا!

سازمان ما همواره با سسنا سنی و حما سب همه جا به سسنا سوا سسنا سب اهدا با انقلابی خود راسس سرب. کمکهای مالی خود را از هر طریقی که مسنوا سسند سس ما سراسند.

برای اطمنان از آنکه کمکها سسنان توسط سازمان دریافت سده، حسما عددی سکرتمی، سادو رسمی و ساسر رسمی (حداکثر سه رسمی اسسوان "کد" اسحاب کرده و همرا سنا حرفی دلخواه و سسز نام سسپر خود رسبه در بافت کنند که مالی سدهند. سازمان "کد" اسنخابی سمارا به سرتسب در ۱۰۰۰ تا ۱۰۰۰ و ساسا ۱۰۰۰ اعدده ۱۰۰۰۰ برای "کد" سب رقمی، ۱۰۰۰ برای دورقمی و ۱۰۰ برای سدرقمی اس ضرب کرده و حاصل آنرا سملغی که سسردا سسخت کرده اسدا سفا سده نموده و همرا سنا حرف اول نام نما در سرتسب "سکار" حاب سکنند. سس اسن سرتسب سسا مطمئن مسنود که کمک مالی تان در اسنخار سازمان فرار گرفته است.

ملاااااا سسردا سسختی ۲۵۰۰۰ رسال و "کد"، اعدده ۵۸۰۰۰ و حرف اول نام اسنخابی سسا "آ" و نما سسهرتان آسبادان ساسدر سسسون کمکهای مالی دریافت سده و در سسعت مربوط به آسبادان (آ ۳۰۸۰۰) را ملاحظه خواه سدر کرد.

۵۸x۱۰۰= ۵۸۰۰  
۲۵۰۰۰+ ۵۸۰۰= ۳۰۸۰۰

کمکهای مالی دریافت شده

هموطنان مبارز! رفقا!

حون اسراس سس کمکهای مالی سسا در هر شهیره سسکک در سسکار حاب مسودا از اسنرولاسمت که همرا "کد" و حرف اسسحابی خود نما سسهرتسان راسر سدر کرد سسند.

شهرکرد	اصفهان
ر- (ح، ن) کارگر ۸۰۰	ج- ع ۲۰۰۰
ر- علی (فرخ شهر) ۱۰۰۰	سرو خورد
ر- مادر ۵۰۰	ع- ا- ج ۲۰۰۰
ر- منظم ۵۰۰۰	سرتسز
مسانه	ر- ب ۳۰۰۰
رفقای هوادار ۳۸۰۰۰	ر- راسنده ساسکی -
مسانده آت	سار ۱۶۰۰۰
اساسه	سپران
۱۰۰۰	رفقای سارک سسپر ۲۴۰۰۰
۱۲۰۰	رفقای داس آسور
ر- مسعتکار ۵۰۰	(باری آسناد) ۸۰۰۰
ر- راسنده کامسون ۲۰۰	ن- ۳۰۰۰
ر- کمک راسنده ۲۰۰	ب- ۶۲۰۰
همدان	سسان
رفقای هوادار ۳۰۰۰	ی- ۱۲۱۰۰
کانادا	
رفقای هوادار -	
مونترال ۴۵۰۰۰	

س	ت
۴۸۰۰	۵۸۰۰
۵۲۰۰	۲۷۹۲۰
۵۰۰۰	۱۷۹۰۰
۷۰۰۰	۱۳۰۰۰
۶۵۰۰	ج
۶۰۰۰	۲۰۰۰۰
۱۱۳۳۰	۳۲۷۰
۶۳۰۰	۶۳۷۰
۲۱۰۰۰	ح
۲۹۴۰۰	۱۶۱۰۰
۶۰۰۰	ح
۶۰۰۰	۱۱۲۰۰
۱۰۰۰۰	۱۲۰۰۰
۴۳۰۰	۵۸۰۰
۲۷۰۰	۱۰۷۵۰
۷۰۰۰	۲۰۰۰
۶۰۰۰	ن
۱۳۱۰۰	۲۵۰۰
ب	۲۵۰۰
۷۵۶۰	۲۲۰۰۰
۶۶۰۰	۴۹۷۰
۶۵۰۰	۱۹۰۰۰
۱۱۲۰۰	۱۱۲۰۰

- (الف. د. ۳۰۰۰۰)
- (الف و م. ۹۶۰۰۰)
- (ب. ک. ۷۵۰۰۰)
- (ب. ت. ۲۲۰۰۰)
- (د. ن. ۱۰۰۰۰)
- (س. م. ۲۳۳۰۰)
- (س. ل. ۷۰۰۰۰)
- (ع. ا. ۶۲۰۰)
- (ع. ب. ۱۰۴۰۰)
- (ع. ن. ۱۵۰۰)
- (ع. ک. ۳۴۰۰)

رفیق کاسی ۱۵۰۰۰ رسال  
ر- کارگر مکانیک ۱۰۰۰  
ر- ح- س- ت- کارگر (۱۰۰۰)  
م- ب- (معلم) ۵۰۰۰  
سی نام ۵۶۰  
ر- ف- (آشاموز) ۱۰۰۰  
ر- س- ج- ۱۰۰۰  
ر- اکبر- م- ۲۰۰۰۰۰  
رفیق م، هدیه ات رسیده.  
رفیق ف، مبلغ ۵۰۰۰ رسال برای احدات بیمه رستان صحرائی درخوستان.



**شورای عالی دفاع:**  
تلاش لیبرالها برای تمرکز،  
کوشش ولایت فقیه برای  
تقویت حزب جمهوری،  
و مصالحه‌های دیگر...

بی آمدن حک ایران و عراق، تقویت ارس و سرلشرا اینها در هشتاد و یکم بود.

سازمان حک منظم و سراسر استفاده از نیروی هوایی برای مبارزه، سران مدرسیهای حکمی و... وضعیت سیاسی برای ارس و لیبرالها که به ارس نگردها شده، موجود آورد. لیبرالها که سنی ارجح، عقب‌نشینی‌های حاکمیتی در مقابل رقبای خود، حزب جمهوری در عرصه انتخابات دولت داشتند، اکنون با انکسار به در دست داشتن فرماندهی کل مواضعی همراهی فرماندهان ارس، ندرت بستری یافته بودند. سنی مدرس برای تحکیم وضعیت خود به ما واردی رقبای در امور حکمی ننگه میکرد (بظوری که حسنی سنی و رقبای را پیرزنان غرور و بی‌ساده بود که سنی آنکه حزبی ندا شد، در مصداقها بر طرف، خاطر اب رقبای سرسبب جمهور، انقلاب اسلامی، سه‌شنبه ۲۲ مهر، داستان معمار سیاسی و سرور و دیوار (رکب) او با آماجبرد که حاصلی را به تضعیف روح و جد ارس متبسم میکند و در خاطر اب رقبای سرسبب جمهوری انقلاب اسلامی ۲۱ مهر، رقبای را کفایت از فرصت طلبی می‌نماند که اکنون در حاشیه اند و مستقر در بنده میدان سرزند و حاصل زحمات لیبرالها و ارس را برساند اما یک مسئله در اعمال ندرت لیبرالها و

ارتش اخلال ایجاد میکرد و آن‌ها همگی و حرف نشنوی ارگانهای سررهری لیبرالها از آنها بود. سنی مدرس در حاشیه سنی به روحا نشنوی اشاره میکرد که بدون داشتن اطلاعات نظامی، سر خود عمل کرده و سررهم ضربه زده اند. او حواهان وحدت در فرماندهی و تمرکز فوا بود منتهی زیر رهبری لیبرالها، سنی مدرس خواست تمرکز خود را در برابر سنی از مدرس فرمان ولایت فقیه مبنی بر تشکیل شورای عالی دفاع جنبش اعتراف میکند:

"سیاست خارجی ما و تمرکز و یکسانسازی اش بسیار اهمیت دارد. سیاست تبلیغاتی ما هم بسیار اهمیت دارد و روحیه نیروهای ما هم که در آن محل می‌جنگند اهمیت دارد. این است که چند روز پیش که پیش‌امام بودم این چهار مطلب را با ایشان در میان گذاشتم و

# یادداشت‌های سیاسی هفت‌شنبه

برارسدگه‌ای را با صورت یک سندی یاد می‌نماید... و ما با اصطلاح یک سنی نویسی سینه کردیم... که البته انسان تکلیف فرمودند چیزهایی هم بر این اساس فرمودیم... سیاست تبلیغاتی ما هماهنگی بسند میکند، معلوم بود از چه مرحله‌ای سرور میکند این حالتی هم که حالا هست، رئیس جمهور و فرمانده کل فوا حرف میزند، دولت تصمیم میگیرد، مجلس متناسب با اطلاعاتی که می‌گیرد مدرس در مقابل عنوان میکند، دستگیر و قضای سنی ترتیب، اینها با سنی که جمع میداد که همه آنها سنی خاطر داشته‌اند، هم تمرکز باشد... (انقلاب اسلامی ۲۱ مهر) سنی ترتیب سنی مدرسها را بوجود آوردن قدرتی بود که همه و بخصوص حزب جمهوری اسلامی و ارگانهای تازه از آن اطلاع کنند، و فکر میکرد در شرایط مخصوص کنونی و بدلیل احتیاج همه‌جانبه‌ای هشتاد و یکم به ارتش، او بتواند حشمتی و وضعیتی را تحت رهبری فرمانده کل فوا موجود آورد. از طرف دیگر رقبای حاشیه ندا، سنی که این تمرکز را بسازد، منتها اینخواست این تمرکز سررهری لیبرالها باشد، سنی ترتیب به تمرکز ما داشته‌اند تا اگر رفتن فرماندهی واقعی کل فوا؛ زنی مدرس بودن آن به شورای عالی دفاع که فرمان ولایت فقیه ترکتب آن سررهنی مدرس بر سر افتاد بود اثرکتب قلمی ۴ سینه در صفحه ۱۸

## دسته‌های گل بر مزار شهیدان



روز شنبه ۲۵ مهر ماه مصاف بود

حیا زمین سالروز یاد رقیب شهید سیمین جبری و سومین سالروز یاد رقیب شهید محمد رضا احمد آخوندی، اعضای جنبش از سازمان مجاهدین خلق ایران، بدین مناسبت جمعی از رقبای سر مزار این شهیدان و مزار رقیب شهیدتقی سپهرام دسته‌های گل نشان کردند. همچنین سنی از سوی سازمان به مراسم یادبودها نواذگی که بر مزار رقیب سیمین جبری برپا شده بود داده شد که در آن جمع قرائت کردند. در پایان مراسم چنین آمده بود:

"رفیق شهید سیمین جبری بمناب به یک روشنفکر انقلابی که همه وجود خود را وقف مبارزه با امپریالیسم و رژیم دست‌نشانده شاه‌خائن کرد، بمناب به کسی که رقبای طفله‌گرا را آرمسان خویش قرار داد و در راه آن عاشقانه جان باخت، و بمناب به زنی انقلابی و دلیر که در آن سالهای سه‌هفتاد و بیست و شش مبارزه انقلابی گذارد و سنان دادگه‌زنان میتوانستند در سرتوش علی‌امپریالیسم و دشمنان طبیعت را رگرفتنی مساوی با مردان ایفا کنند، همیشه در قلب همزمانش، در قلب زحمتکشان ایران زنده است.

رفیق سیمین برای زنان زحمتکش و انقلابی مبین ما، یک سمبل و یک قهرمان است. او که معلم فرزندان ما در مدرسه بود با مشارکت فعالانه و قداکارانه خود در انقلاب، در صحنه نبرد خونین با دشمن نیز فرزندان ما را معلم بود...

خاطر هاسن رقبای همه‌سپه‌ای راه آزادی  
طنقه‌گرا و زحمتکشان گرامی باد!

## ۵ سال زندان بخاطر فروش کتاب

چندی پیش یکی از رقبای هوادار هنگام فروش کتابهای سازمان در قزوین، در محلی که همه‌گروه‌های سیاسی کتاب می‌فروختند، دستگیر شد. این رفیق که در اوایل مرداد ماه توسط پاسداران سرما به دستگیر شده بود در هفته آخر شهریور ماه در قزوین محاکمه شد و با اتهامات واهی و دروغینی که به او بستند به ۵ سال زندان در زندان محکوم شد. رژیم حاکم از فروش کتاب‌های انقلابی و آگاه شدن توده‌های هراس‌زده در قبال انقلابیون همان راهی را در پیش گرفته که محمدرضا شاه‌خائن می‌پیمود.

# مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

# استیصال ایدئولوژیک در مبارزه ایدئولوژیک!

"بسیار خوب آزادی در شیوه برخورد به مطلب حق مقدس هر فردیست فقط با بیدار کردن وجدی و شرافتمندانه به مطلب را با برخورد نافرمانانه فرق گذاشت".

لنین - کاتوستکی مرتد  
 "اولین شرط در مبارزه ایدئولوژیک - صداقت انقلابی است. صداقت انقلابی در مبارزه ایدئولوژیک یعنی اتکا به نوشته و سند و کشف انحراف از ظاهر صریح (و غیر صریح - پیکار) نویسنده نوشته، یعنی اتکا به واقعیت، صداقت انقلابی در مبارزه ایدئولوژیک علاوه بر آنکه مربوط به انگیزه در مبارزه ایدئولوژیک میگردد، حقیرانه و مذبحانه برخورد نکردن (و نه تنها این، بلکه غیر کمونیستی و غیر سیاسی و به سبک روشنفکرانه برخورد نکردن - پیکار) را در بر میگیرد". (تاکیدات از ما است) ■

رزمندگان شماره ۲۳

## نگاهی به برخورد رزمندگان نسبت به پیکار در مورد مسئله سوسیال امپریالیسم

سوسیال امپریالیسم؟ پاسخ ما به این سؤال منفی است. هر که چنین بیندیشد نتوانسته است کینه حقیقت موجود را دریابد. زیرا که رزمندگان در حقیقت به تز سوسیال امپریالیسم و مبارزه ایدئولوژیک جنبش کمونیستی در این زمینه حمله میکنند و نه به پیکار. و ما این را در خلال این نوشته قدم به قدم دنبال خواهیم کرد.

اکنون با بدید برخورد رزمندگان نسبت به مسئله سوسیال امپریالیسم شروع می‌کنیم. بی‌شک ما اگر نخواهیم در توضیح این مسئله تحلیل خود را محدود به نشریه شماره ۲۳ رزمندگان بنماییم، هرگز نخواهیم توانست به درک عمیقی از مسئله برسیم. از این رو بنا شد تا ندکی به عقب برگشتن و از گذشته دورتری این مسئله را مورد بررسی قرار داد:

گسترش مبارزه طبقاتی در درون جامعه ما طی سالهای ۵۶ و ۵۷ که منجر به قیام بهمن ماه ۵۷ گردید، وادامه علقی انقلابی در دوره پس از قیام، دوره جدیدی از مبارزه طبقاتی را با صف بندی جدیدی از نیروهای طبقاتی بوجود آورد. اگر در دوران رژیم مزدور شاه و دیکتاتور خشن موجود که خود را مظهر حرکت طبقاتی در جنبش، طی دوران طولانی ای ساعت آن گشته بود که صف طبقات مختلف خلقی جامعه صورت فشرده در کنار هم بشود این صف از یکدیگر متمایز نگردد، اما گسترش مبارزه طبقاتی و تحولات سیاسی ناشی از آن و سبزه سرنگونی رژیم شاهان، نمیتوانست صف این طبقات را بطور روشی از یکدیگر جدا ننماید. این صف بندی جدید طبقاتی، انعکاس خود را نیز در نیروهای جنبش کمونیستی ما میگذاشت و بنا بر این گرایش ایدئولوژیک کوناگونی را در این نیروها بوجود آورد و ما شاهد نمود و هر یک را آشکارا بسوی منافع طبقاتی خاص خویش سوق داد. در غلطیدن سازمان حریکهای فدائیان خلق (اکثریت) به دامن رویزیونیسم، در افتادن "انحاده کمونیستها" به دامن اپورتونیسم و گرایشات آشکارا رویزیونیستی راهکار رگر، گواه سازان حقیقت است.

بدین ترتیب با پیوستن فدائیان (اکثریت) به رویزیونیسم و در غلطیدن انحاده کمونیستها به دامن اپورتونیسم، صف رویزیونیستها و اپورتونیستها در درون جامعه تفویض گشت، تا آنجا که گرایشات رویزیونیستی، دامن ساز نیروها را نیز در بر گرفت. تزلزلات و انحراف رویزیونیستی که در برخورد به سوسیال امپریالیسم شروعی در اواخر

زدن به مبارزه ایدئولوژیک بر متن مبارزه طبقاتی پرولتاریاست و هر نوع مبارزه ایدئولوژیک که در خدمت برآورده نمودن تمایلات روشنفکرانه ناسالوم و گروه گرایانه قرار گیرد و بدین ترتیب سولم مبارزه ایدئولوژیک را در جنبش کمونیستی آلوده و تیره نماید، نه تنها در جهت حل معضلات و تشتت ایدئولوژیک جنبش نیست، بلکه به آن بطور جدی آسیب میرساند. ما آموخته ایم که با ضعفای خود و دیگران برخوردی انقلابی داشته باشیم. ما آموخته ایم که مبارزه ایدئولوژیک را بر متن مبارزه طبقاتی پرولتاریا به پیش ببریم و آنرا بسبب راهی تمایلات روشنفکرانه خویش تبدیل ننماییم و هم اکنون نیز می‌کوشیم تا با رعایت این اصل که خود بدین معتقدیم، به مضمون **شکل مبارزه ایدئولوژیک رفقای رزمندگان** که در نشریه اخیر (شماره ۲۳) آنجا آمده است، برخورد نمائیم.

### برخورد رزمندگان نسبت به مسئله سوسیال امپریالیسم

شاید خواننده از ما سؤال کند که مگر مقاله رفقای رزمندگان با عنوان "شیوه پیکار در مبارزه ایدئولوژیک..." خود نشان دهنده آن نیست که هدف این رفقا در این مقاله، برخورد به شیوه مبارزه ایدئولوژیک پیکار راست و نه مسئله

شاید خواننده با تعجب بپرسد عجب! شما نقل قولهای را که رفقای رزمندگان علیه شما بکار برده اند، نقل کرده اید. مگر آنقدر آنها را به خود قبول دارید؟ بدون تردید نه! آنچه که در اینجا حائز اهمیت است اینست که آنچه را که رزمندگان بدرستی ذکر میکنند (حما زلنین وجه خودش)، با بدید ما موزده که خود نیز بکار برده. شیوه برخورد ما در واقع نافرمانانه را برای دیگران پسندیدیم، اما خود بکار نریستیم. یک شیوه بورژوازی غیر کمونیستی است. این همان شیوه ایست که رفیق ما شود را به آن میگوید: ما رکیسم را برای دیگران پسندیدیم ولی برای خود. رفقای رزمندگان گوئی شیوه برخورد ما رکیستی را در مبارزه ایدئولوژیک ترا موش کرده اند. ذکر نقل قولهای رزمندگان در مورد شیوه مبارزه ایدئولوژیک که درست و سرحق است، شاید بتواند آموزشی باشد برای خود رزمندگان که آنرا فراموش کرده است!

هر کمونیستی که ذره ای صداقت انقلابی داشته باشد (تکیه میکنیم حتی ذره ای) نمیتواند آنچه را که رزمندگان در شیوه برخورد به مبارزه ایدئولوژیک علیه ما (و جنبش کمونیستی) صورت داده است، محکوم ننماید. ساکت بماند و خود به ابرو نیاورد. چه هر کمونیستی که تشنه وحدت جنبش کمونیستی است، تنگ میدانده که شرط چنین وحدتی، دامن - از این پس همه تاکیدات از ما است.

# پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم

سال ۵۸ در رزمندگان نبدارگشت، نمونه‌ای از این گرایات بود. ایجاد دنگ و اسهام در ساره سوسال امیرالاسم از طرف رفقای رزمندگان در آن دوره، ضمن آنکه رویزونیستها را خوشنود میساخت، مسنوا نسب برای جنس کمونیستی زیان آورنی شد. چراکه این حرکت حد در صد آن بود که با ایجاد دنگ و اسهام در بر خوردیه مقوله سوسال امیرالاسم، آسرا از مره اصول جنس کمونیستی و معیار وحدت خارج سازد. رزمندگان از همین دوره بیعداست که معتقد مسود سوسال امیرالاسم جز اصول جنس کمونیستی نبوده و معیار وحدت مسنوا بداست (مراجعه کنید به رزمندگان شماره ۵).

هما نظور که مبدانیم این انحراف محدودیه رزمندگان نکرده بودیدیم که چگونه این تزلزلات و انحراف حتی برخی از سرورها را به زیر پا گذاشتن اصول کثا نیدویه سمت خویش جذب نمود، از آنجمله است سرنوشت گروه "اتحاد دما رزه در راه آرمان طیفه کارگر" که بر حسب اصول را در مورد مقوله سوسال امیرالاسم به زیر پا گذاشت و حاضر به وحدت ایدئولوژیک (سخوان سازش ایدئولوژیک) با جراتی گردید که سوسال امیرالاسم را ملاک وحدت و از اصول جنس کمونیستی نمیدانست. در همین رابطه سمکری برخی دیگر از گروه "نظیر گروه "سرد"، "سکار رطلو"، "انفلسو" آزادی طیفه کارگر و... جهت وحدت با رزمندگان مینواست رمنه‌های هر چه سمکری برای کسرتس و تفویض این انحراف در جنس کمونیستی فراهم آورد که خوشحنا داس سرورها در برخورد عمعتر و زدکنی با رزمندگان، به درک درسی از اسن نیرو و مواضع آن سال آمده و به سنها حاضر به سازش ایدئولوژیک و زیر پا گذاشتن اصول و خلاصه وحدت با رزمندگان شدند، بلکه بر عکس با مرز بندی با تزلزلات و انحراف رزمندگان (والبتیه شه معط در اسن زمینه) به مبارزه ایدئولوژیک علیه گرایات، رویزونیستی و سروسکدستی رزمندگان برخاستند.

اگر چه مبارزه ایدئولوژیک اسن گروهها علیه انحراف رزمندگان بویژه در برخورد سوسال امیرالاسم برای جنس کمونیستی اسران امید بخش بود، اما بلحاظ محدودیت توان عینی و ذهنی اسنان در کسرتس مبارزه ایدئولوژیک علیه انحراف رزمندگان و محدودیت بر دما دی این مبارزات ایدئولوژیک نمی توانست تا شرفاکی و همه جا سسه ای در شکستس اسن تزلزلات و انحرافات دا شنه با شد (روشن است که به هیجوجه منظور کما هبیت جلوه دادن مبارزه ایدئولوژیک این گروهها با رزمندگان نیست، بلکه سخن بر سر میزان تا شرفا ن بدلالی است که از آنها نام بردیم).

مبارزه ایدئولوژیک سازمان ما علیه تزلزلات و گرایات رویزونیستی تروتسکستی.

رزمندگان که متاسفانه در آغاز گشت (این خود جدا از وجود انحراف راستروانه در سازمان ما نبوده که البته اسن تا خرد در رندا بن تزلزلات در رزمندگان نسزی تا سرنسوده است)، ضربه کوبنده‌ای بود علیه بن تزلزلات، تزلزلاتی که مینواست دامنگیر ما بر نیروهای جنبش کمونیستی و سوزیه آنها که به نقش ایدئولوژی کم بها میدهند سز بسود.

سوسال امیرالاسم از سوی رفقا، حقیقت دارد و با صرفا مورد دعای پیکار است؟ زمینه را برای رشد گرایات سالم تقویت نمود و برای بسیاری از اعضا و هواداران رزمندگان که فاقد جنبش گرایشی بودند، ضرورت موضعگیری انقلابی بر سر مساله سوسال امیرالاسم مطرح گردید.

۴ - سازمان رزمندگان را نیز وادار به تغییر

**آیا بر استی رزمندگان معتقد است که خرده بورژوازی سنتی مرفه متحد پیکار است؟ و آیا واقعا پیکار برای "درمان شهادتین متحد طبیعی خود" (یعنی خرده بورژوازی مرفه سنتی) مسئله نابودی فیزیکی آنرا همیان کشیده است؟ و آیا نتیجه منطقی چنین اتهامی این نیست که پیکار نیروی ضد انقلابی ضد خلقی می باشد؟ آیا نیروی ضد انقلابی میتواند متحد طبیعی یک سازمان کمونیستی و انقلابی باشد؟ آخرین به این شیوه مبارزه ایدئولوژیک!!**

جهت و تشدید افشاگری علیه سوسال امیرالاسم نمود (السته با درکی که خود رفقا از آن دارند و ما آنرا قبلا توضیح داده و با زهم خواهیم داد).

اینها نکاتی متنی بود که مبارزه ایدئو لوجیک سازمان ما با نیروهای جنبش کمونیستی بدان دست یافت و طبعا انتظار میرفت که رفقای رزمندگان نیز با یک شیوه برخورد کمونیستی به اصلاح گرایات رویزونیستی تروتسکستی خویش بپردازند، همه منتظر با سخ رزمندگان به مبارزه ایدئولوژیک که از سوی جنبش کمونیستی و از جمله سازمان ما مان زده شده بود، بودند. اسما رزمندگان با انتشار مقاله "شیوه پیکار در مبارزه ایدئولوژیک... جنبش کمونیستی و از جمله سازمان ما را تا حدی مایوس نمود، برخلاف انتظار، رزمندگان در برخورد به این مسئله، با بکارگرفتن شیوه برخورد غیر کمونیستی، غیر رفیقانه و از آنهم بدتر غیر سیاسی در مبارزه ایدئولوژیک، بجای پاسخ به مبارزه ایدئولوژیک ما و دیگران، به فحاشی علیه ما پرداخت و بدین ترتیب گوئید:

- ۱ - از موضعگیری آشکار در مقابل مبارزه ایدئولوژیک جنبش کمونیستی و از جمله سازمان ما در این باره ظفره برود.
- ۲ - به بها نه حمله به شیوه مبارزه ایدئولوژیک بکار بردن، دستاورد مبارزه ایدئولوژیک جنس کمونیستی را در برخورد به اسن تزلزلات و انحراف مورد حمله قرار دهد.
- ۳ - اعضا و هواداران خویش را متقا عدسا زد که در عرصه اسن مبارزه ایدئولوژیک، حق سبه جانب اوست و این پیکار است که به اتهامزنی دروغ پرداز، داستان سرائی... می بردازد!
- ۴ - و با لایحه همچنان سرسرن تزلزلات و انحراف رویزونیستی خویش، صورت زیرکانه‌ای با صاری نماید و حتی آسرا جمع نماید!

اسنگ بخش وسیعی از جنبش کمونیستی اسران متحد به مبارزه علیه هر گونه تزلزل در برابر سوسال امیرالاسم برخاسته بود. بویژه آنکه سازمان ما به لحاظ برخورد همه جا نیه تر و بردما دی بیشتر مبارزه ایدئولوژیک و مسز ان تا سرتس در جنبش، ضربه شکننده‌ای برای تزلزلات و انحراف رویزونیستی وارد آورد. به همین ترتیب موضع گیری سازمان ما در برابر سوسال امیرالاسم در کنکراه خبر برای جنبش کمونیستی اسران (و در اینجا بخش بیکر آن) دارای اهمیت فراوان بود و نمیتوانست مورد استقبال آسان فرار نکند، هما نظور که متفابلا برخی از سرورها نیز بدلیل همان تزلزلات و انحراف رویزونیستی اسن نمی توانستند از اسن موضع گیری، غمگین و افسرده نباشند!

ساری مدت گرفتن مبارزه ایدئولوژیک بخش وسیعی از جنبش کمونیستی علیه هر گونه تزلزل در مقابل سوسال امیرالاسم، نتایج گران قدری را بسا رآورد که ذیل با به ذکر مهم ترن مسوارد آن می بردازیم:

- ۱ - باعث آتدیده تر شدن و استوارگشتن بخین بیکر جنبش کمونیستی سرسرمقوله سوسال امیرالاسم گردید.
- ۲ - تزلزلات و انحراف رویزونیستی در اسن باره را که آشکارا در حال رشد بودند، به عفر راند و موعنا اسن گرایات را در لاک خود سسرد، بطوریکه راه سگوت را در برابر اسن مبارزه ایدئولوژیک و بجای برخورد با آن سرکز بدند و اسن خود سانه "ضعف" و "عقب نشینی" حاملن اسن گرایات بود.
- ۳ - در درون جریان تزلزلی که از طریق ایجاد اسها موشک دهقی سوسال امیرالاسم سبرداخت، یعنی رزمندگان (امدوا رسمه رفقای رزمندگان از اسن عبارت دسار آسفتگی نسوند و ادکی حوصله بخرج دهند، چرا که در همین نوسته خوا هنده دیکه آتدقی

## رویزونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

ما در این نوشته می‌گوئیم آنچه را که در بالا گفتیم مورد بررسی قرار داده و آنرا صرفاً در حد "احکام کلی" نگاه نداریم. بنا بر این ما نوشته اخیر رزمندگان را در دو بخش مورد بررسی قرار می‌دهیم:

الف - شیوه برخورد رزمندگان در مبارزه ایدئولوژیک و رابطه آن با گرایش رویزیونیستی و تروتسکیستی این رفا .  
ب - مضامین نوشته رزمندگان، چه آنها که صورت سوال از ما مطرح شده و چه آنها که خود این رفا در دفاع از خویش مطرح کرده‌اند .

### شیوه برخورد خرده بورژوائی رزمندگان در مبارزه ایدئولوژیک

گفتم هر کس نوشته اخیر رزمندگان ( شماره ۲۳) را مطالعه کند، ما نا باوری از خود میسر در حرا رفقای رزمندگان این چنین غیر رفا نمی‌تواند. کمیونستی سرخورد می‌کند؟ چرا با کینه و لیس و نفرین بدیکار برخورد می‌کند؟ مگر بدیکار در سطح طبقه‌ای رزمندگان است؟ و بالاخره این سوال را از خود می‌کنند چرا رزمندگان از سرخوردگی انحرافات خود ظفره رفته‌اند؟

بنظر ما پاسخ روشن است. علت نوع برخورد رزمندگان عبارتست از استقبال ایدئولوژیک در مبارزه ایدئولوژیک. جنبش کمیونستی، انحرافات رویزیونیستی رزمندگان را به انتقاد کشیده و محکوم ساخته است، لیکن رزمندگان بدلیل همان انحراف رویزیونیستی خود شیوه ما را هم در مبارزه خود قاطعاً در نیست به مبارزه ایدئولوژیک جنبش کمیونستی پاسخ پرولتری ارائه دهد.

رزمندگان از جواب روشن و صریح به مبارزه جنبش کمیونستی ظفره می‌روند و این نشانه ضعف و عقب نشینی رزمندگان است. رزمندگان به فحاشی دست می‌زنند، اما این برخورد از اسما ل ایدئولوژیک نشئت می‌گیرد. جنبش کمیونستی، رزمندگان را با خاطر مواضع انحرافات در مقابل رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم به انتقاد کشیده است، اما رفقای رزمندگان بدلیل همان انحرافات ایدئولوژیک رویزیونیستی تروتسکیستی و عدم انتقاد پرولتری از مواضع خود قادر به پاسخگویی صریح و کمیونستی نمی‌باشند. جنبش کمیونستی جای حساس را نشان داده است و به این دلیل رزمندگان نشان می‌دهند و باها هم و نا شکیبایی به دفاع از خویش برخاسته است.

ممکن است خواننده مقاله مزبور رزمندگان را با تعجب از شیوه برخورد رزمندگان که سراپا تحقیر و تمسخر و توهین است یاد کنند. اگر چنین خواننده‌ای برای اولین بار است که به نوشته‌های رزمندگان برخورد نموده، در تعجب خویش بی تقصیر است، اما اگر نوشته‌های قبلی رزمندگان را نیز مطالعه

کرده‌اند، درخواهد یافت که این شیوه خاص مبارزه ایدئولوژیک رزمندگان است. متأسفانه رفقای رزمندگان به نوشته‌ها برخورد می‌کنند و خود را اصلاح کرده‌اند، بلکه روز بروز بی‌آلوده - برگردیده‌اند. بنظر ما بنوعی جدید رزمندگان در سبک برخورد خود با رفا زده‌ای نیست. این سبک، ادا می‌نویسند که هیئت رزمندگان و بموازات انحرافات این رفا وجود داشته است. نگاه می‌نویسند که هیئت رزمندگان در گذشته این هیئت را همان مبدع رزمندگان در شرفه شماره ۸ جوین در سطح ایدئولوژیک از زمان مبارزه نسبت به مسئله قطع رابطه هیئت خاکه اسرا ن آمریکا در مقاله‌ای تحت عنوان: "بیکار: احساب از مبارزه طبقاتی" می‌نویسد:

"اکنون بنظر می‌رسد که این سازمان بیکار است که ما علامه شماره ۶۷ خود: "قطع رابطه آمریکا با اسرا ن و موضع هیئت خاکه ... " است. ما از زور و سرکشی خود به هم رفته‌ها و با اصرار هیئت خاکه طوق گبیرد. ما به بیداری سازمان بیکار ..."

براستی رفا، "ما به بیداری" ما با اعت کسه تا به کمک هیئت خاکه ارتجاعی شنا بسما آنگه ما "آسیبناک" است. ما با سروروشی خدا بخلائی رویزیونیستی ما تم که "آسیبناک" است. ما با سروروشی رفا در هیئت خاکه ما معتمد ما نوروسها و بطور مشخص رویزیونیستیهای اکثریت و حزب نوده امروز "آسیبناک" است. ما از فروریزیونیسم نوده‌ها و ارتجاع هیئت خاکه طوق گبیرد. ممکن است موضعگیری سیاسی سروروشی عملاً نشه چنین نتیجه‌ای محسوب، اما این غرامولسی است که گفته‌ها و این سروروشی ما از زده‌ها است. رزمندگان در همان مقاله در ادا ما سرخورد و همین - آبرو و سرکشی ما به مسخر و تحقیر سازمان ما می‌نویسد و طعنه می‌گوید:

"بورژوازی لبرال" خاصاً مرتجع را - سبه بورژوازی لبرال "مرفی سده ... (همانجا) و ما مطرح می‌کنند که:

"علامه سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر که سرسره سرکشی و بطور اذعان سازمان مجاهدی" ما سبک است تا یک سازمان م. ل." (همانجا) .

رفقای رزمندگان، سبک شما در مبارزه ایدئولوژیک آما موازی کمیونستی را رعایت می‌کنند؟ رفا حواصت نکوشد در کما سازمان از بورژوازی لبرال بخشا صریح نام برده است؟ آما برای شما روشن نیست که سازمان ما در آن موقع که به بورژوازی لبرال "بخشا مرتجع" معتقد بود بخش دیگر بورژوازی لبرال را ضد انقلابی میدانست. آما این مسئله با صراحت تمام در مقاله زیرگزارها و ما بیرون نوشته‌های ما منعکس نیست؟ شما ما را متهم به دروغ‌پردازی و تحریف می‌کنید، ولی خود قضاوت کنید چه کسی چنین می‌کند؟ براساسی رفا، علامه ما بیشتر به بطرات مجاهدین شبیه است تا به بطرات یک سازمان

ما کمیونستی؟ با کدام سند و درک و توضیح و مقایسه این راستان دادید؟ بدینود مقایسه‌ای بی‌سبب و علامه سازمان و مجاهدین مسگردید تا حکمتان شایب شود. آما این شیوه برخورد صادقانه و کمیونستی است؟ آما با بیکار بریدن کلمه مسخر آما بی‌وزوالم ری "بخشا مرتفی" طرفی میتوان برست؟ میتوان به مقصود ما مثل گشت؟ آما این شیوه برخورد تمسخر آما مزو ما سبک ما را ارماء می‌کند؟ آما شما می - بدیدار بدصنوا ن ما تحریف بطرات دیگران، با زحم زمان زدن، برخورد مسخر آما مزو ما سبک، معضلات جنس را حل نمود؟ به هرگز! این شیوه برخورد غیر کمیونستی حصر می‌دهد به جنبش کمیونستی بنحده دیگری ندارد. رفا آما شیوه کار ما را کمیونسم را برای دیگران بسپارند و لبرالسم را برای خود بسپارند نمی‌باشد؟ آما ما چنین برخوردی نمی‌کنیم. در رده مبارزه ایدئولوژیک حش "داشته‌اند؟

رزمندگان حتی به این شیوه برخورد سبک نمی‌کنند و در حای دیگری می‌نویسد:

"سبک برای در امان نگاهداری من محدود به محدود منطقی انحرافات ما نمی‌گردد - بورژوازی سبی مرتجع مردم سبک انحرافات ... ما بودی صریحی را حمان می‌کنند."

(رزمندگان ۲۰، مقاله اسطرات) آما براساسی رزمندگان معصداست که خرده - بورژوازی سبی مرتجع بخدا سبک را است؟ و آما و افعال بیکار برای "در امان نگاهداری من محدود منطقی خود" (یعنی خرده بورژوازی مرتجع سبی) مسئله ما بودی صریحی آما همان کسه است؟ و آما بنحده چسب اینها می‌است که سبک ربروروشی ما انقلابی و ضد خلقی می‌باشد؟ آما سروروشی ضد انقلابی می‌تواند منحصراً طبیعتی یک سازمان کمیونستی و انقلابی باشد؟ آما همین به این شیوه مبارزه ایدئولوژیک! رزمندگان چه خوب از بسین نقل می‌کند:

"سبک رجا و آادی شیوه برخورد به منطقی حش مقدس در هر فردی است، فقط ما در برخورد جدی و شرافتمندانه به منطقی را با برجسور د نا شرافتمندانه شرفی گذاشت."

انگاز رزمندگان خود حشین شیوه‌ای را حرام می‌کنند!

رزمندگان در حای دیگر در رابطه با نظرات ما در مورد سرما به داری وابسته می‌نویسد:

"اگر ما سبک بیکار در امان رزمینه‌ها تحلیلی حرام کرده است، سبک است که آنها را در سطح جنبش مسخر از دنیا حرا ما می‌مانند ما از صلاحت و کما ای نجات ما بدو به طریق سبک - رهمون شود! حتی اگر تحلیل‌ها در سطحی سیستمند که قابل انتشار باشند، بجا است که رفقای بیکار آنها را لااقل قبل در اختیار ما بگذارند تا از انحرافات رهیده شویم. آما نظور که از نوشته‌های بیکار بر می‌آید بیکار رهیح تحلیل مشخصی از این موضوعات ندارد و بلکه بر روی هوا سقف می‌زنند."

رزمندگان می‌گویند باید تحلیل داد:

"نه اینکه با حدس و فرض پیشگویی نه و نه ما لانه به غلط در پس ظاهر مواضع، غولپای بی سناخ و دم‌ریدیف کرده و سوز و جردن و تفریب نسبیهائی را وا زد کرد". (شماره ۲۲).

آیا براساسی رزمندگان ما بکار بردن وسبب دادن الفاظی مانند "ما لانه" و "پیشگویی نه" ریدیف نمودن غولپای سناخ و دم، سقف زدن روی هوا، برخورد کمونیستی و رفیقانه می‌کند؟ آیا رزمندگان آنچه ما بسته شویوه برخورد است یعنی متانت پرولتری را در مبارزه ایدئولوژیک خویش رعایت می‌کند؟ واقعیت این است که چنین نیست. آری این واقعیتی است که جنبش کمونیستی نیز به آن اذغان دارد. البته پرواضح است که از نظر ما این انحراف رزمندگان در مبارزه ایدئولوژیک را بطله مستقیمی بسا انحرافات ایدئولوژیک آنان ندارد. هرکسی بجز این فکر کند که چرا اه افتاده است، گرایش ترولتسکیستی در این رفقا نمیتواند انحراف چپ‌روانه و نه سالها در سبک مبارزه ایدئولوژیک آنان ببار نیاید. بعد از زنگیره گذشته رزمندگان و روشنگران پیشات ترولتسکیستی - رویزیونیستی در برخورد به سوسیال امپریالیسم ساخت جا معه، قدرت سیاسی، وحدت و...، بیسن گرایشات انحرافی نمی توانست در شویوه مبارزه ایدئولوژیک نیز بروز ننماید. این شویوه مبارزه ایدئولوژیک، شویوه ای سکتاریستی (گروه‌گرایی) و روشنگران است. و در خدمت وحدت جنبش کمونیستی نمیباید. و با لعکس در جهت نه انتا کونیم کشیدن کاذب مبارزه ایدئولوژیک قرار دارد. جنبش است که می‌کوشیم شویوه برخورد رزمندگان در نوشته اخیرش را بنیاید بدیده حدید و غربیتی دانست. چه ادا مه منطقی برخورد های انحرافی رزمندگان، چنانچه اصلاح نمی گشت (که نگشته است) ناگزیر بدینجا کشیده میشد که در برخورد اخیرش مشا هده می‌کنیم. آنچه در برخورد اخیر رزمندگان تا زگی دارد، همانا عبق یا بی پیش از پیش گرایشات انحرافی اوست (و البته نه فقط در سوه، بلکه در مضمون نیز اسن انحرافات تشدید شده است).

اکنون به بررسی سوه برخورد رزمندگان در نشریه شماره ۳۳ رزمندگان بپردازیم. تا عمیق تر شدن انحراف بورژواشی رزمندگان را نشان دهیم.

## رزمندگان درس شویوه مبارزه ایدئولوژیک می دهد

در نوشته اخیر، رزمندگان مدعی است که به تز سوسیال امپریالیسم شوروی اعتقاد کامل دارد و بیکیا ربه دروغ میگوید که رزمندگان این تئور را قبول ندارد. سپس در رد مدعای بیکیا را زیر نامه سازمان خویش نقل می‌کند که ضمن آنکه در درون رزمندگان دو نظریه وجود دارد "اما موضع سازمان، سوسیال امپریالیسم مساست. و با زامعه می‌کند که: "در مقاله خود بنام "راهکار گردود فاسع روبرو سوسیالیسم ارما رکسم "صحت از: کلبه دست اندرکاران ما حرای افسانستان اعسم از

سوسیال امپریالیستیهای روسه... "کرده اسم و در آخرین مقالات خود "لهستان، کارگران بر علیه رویزیونیسم" و درباره اتحاد عمل، در مورد سوسیال امپریالیسم سخن گفته ایم و با لخره رزمندگان جمع بندی می‌کنند که بیکیا دروغ مسگود و "شویه مبارزه ایدئولوژیک بیکیا را نتساب دروغ و سفاهت به دیگران و سپس رد آن است". (رزمندگان شماره ۳۳) سپس رزمندگان با ذکر نقل قول لنین که می‌گوید: "... با دید برخوردی جدی و شرافتمندانه سه مطلب را با برخورد بنابر شرافتمندانه فرقی گذاشت. در پی آن است که سه خواننده الحاق کنند که شویوه برخورد بیکیا را شرافتمندانه است و در ادا مه "موزش" مبارزه ایدئولوژیک بما، می‌گوید:

"اولین شرط در مبارزه ایدئولوژیک صداقت انقلابی است، صداقت انقلابی در مبارزه ایدئولوژیک یعنی اتکا به نوشته و سند و کشف انحراف از اظهار صریح (و اما افسه می‌کنیم همچنن از اظهارات غیر صریح - بیکیا) نویسنده نوشته یعنی اتکابه واقعیت... (همانجا) بدین ترتیب رزمندگان شویوه برخورد مارانه تنها شرافتمندانه می‌خواند، بلکه "دروغین" "فاقد صداقت انقلابی"، "حقیرانه"، "مذبوحانه سرخورد کردن" و "ناشی از انحراف انگیزه ای" در مبارزه ایدئولوژیک می‌خواند و برای آنکه برای خواننده سه تفاهمی پیش نیاید توضیح مدهد که: "ما مخالف مبارزه ایدئولوژیک برسوسیال امپریالیسم نیستیم، اما مخالف آن هستیم که اولاً بطور غیر رفیقانه و غیر کمونیستی مساثلی را در جنبش طرح شما کنیم فقط با اعت سردرگمی مشود. (مثل انتسابات رفقای بیکیا ربا). (همانجا).

معنای حرف رزمندگان چیست؟ مضمون این حرف بدان معنی است که اولاً خود رزمندگان شویوه برخورد رفیقانه و کمونیستی در پیش می‌گیرد و مخالف شویوه غیر رفیقانه است (البته لایدهمسن آخرین مقاله از نظر رزمندگان برای جنبش کمونیستی نمونه نا هکاری از شویوه برخورد کمونیستی است! او تا بنیسا کار با این شویوه برخورد غیر کمونیستی و غیر رفیقانه که در شماره برسوسیال امپریالیسم قلم زده است با انتساب سا روا به رزمندگان فقط به ادا در درگمی کمک کرده است.

رزمندگان که شیدا عصبانی و نا راحت بنظر میرسد، شماره بی در پی مبارزه ایدئولوژیک بیکیا رسرتر زلات رویزیونیستی رزمندگان را داستا نسراشی و تئوری با فی بوجی می‌خواند که بیکیا برای نشان دادن آن در رزمندگان تلاش می‌کند: "و پس از آن، داستا نسراشی و تئوری با فی بوجی را آغا ز کرده است تا مگر بدین سوسیله و خود رویزیونیسم در ما انعکاس آن را در مبارزه ما در جنبش و تا کنیکهای ما نشان دهد". (همانجا).

چرا رزمندگان مبارزه ایدئولوژیک بیکیا را داستا نسراشی و تئوری با فی می‌خوانند؟ زیرا معتقد است که در هیچ کجا رزمندگان به درستی

سوسیال امپریالیسم نبرد اخته است و طرح آن از جانب بیکیا از جمله دروغ گوئی ها و داستا نسراشی - های بیکیا راست.

رزمندگان بیکیا را منتهی به شایعه پراکنشی می‌کند، چرا که زعموی بیکیا رسندی در نشان دادن "رد تز سوسیال امپریالیسم از جانب رزمندگان" ارائه ننکرده است. او می‌گوید:

"بنا بر این، بیکیا با استناد به کذا متحلیلی با کذا مبررسی ارائه شده از طرف ما اظهار مداخله که ما سوسیال امپریالیسم را رد کرده ایم؟ و آیا این توشل به شایعه پراکنشی در مبارزه ایدئولوژیک چه معنایی دارد؟ (همانجا) و همچنین می‌کوشد تا به خواننده نشان دهد که: "ما هم بنویسه خود ما مبارزه ایدئولوژیک در سطح جنبش کمونیستی و در باره تا کنیک و استراتژی پرولتاریا ای حیانی استقبال می‌کنیم و بدان خواهیم پرداخت".

و با زبان بی زبانی مسکود شده دلچوری خویش را از این "شویه" مبارزه ایدئولوژیک بیکیا نشان دهد، چه بلافا صله اضا فه می‌کند:

"اما این مبارزه تنها زمانی میتواند سودمند و مفید باشد (مانند مبارزه ایدئولوژیک در عرصه های دیگر) که انگیزه آن نمایان ساختن راه صحیح پیروزی پرولتاریا باشد و در آن صورت است که برده کلی کوئی ها و اظهار نظر های فیلسوف ما با نه و در عین حال کودکا نه کتا رفته و واقعیت پدیده ها خود را نشان میدهد". (همانجا).

رزمندگان با نا راحتی مسر سده چرا ما در بیکیا به پذیرش سوسیال امپریالیسم از طرف رزمندگان اذغان داشته ایم حای دیگر به رد آن برداخته ایم (بیکیا ۶۹ و ۷۰ را مقایسه می‌کند) و چنین شویوه برخوردی را از طرف بیکیا رنه تنها کمونیستی نمیداند، بلکه شویوه دشمنان کمونیستها میداند:

"حراسکار برای مبارزه ما استدا موضعی دروغی و خود ساختن را به ما منسوب می‌کند و سپس به رد آن میسر دارد. این شویوه یعنی انتساب دروغ و سفاهت بدیگران و سپس رد آن شویه کمونیستی نیست" و "فقط از دشمنان کمونیستها سومی آید". (همانجا)

بدنسا ل آن رزمندگان ضمن بیان کنییدن "۱۵ سال مبارزه ایدئولوژیک جنبش کمونیستی که خود را نیز "وارث آن" میداند معتقد است:

"دومین کاری که بیکیا کرده است یعنی پس از دروغ سخنبن، انتساب سفاهت به مخالف خود است. این سعاهت اعتقاد داشتن به نظام تولیدی جدید است". (همانجا).

رزمندگان سپس با اعتراض بدان برخورد "بما موزش" که:

"تعیین موضعی سفاهت آمیز که مستقی سه فروریختن ما تریالیسم تاریخی و منطقی کاپیتالیسم مارکس و امپریالیسم لنین میباند برای دیگران و سپس رد آن چیزی است که لنین در باره اش می‌گوید: (وجه خوب، گوئی

**رفقای پیکار در برابر خود اورد!** نسبت دادن یک سفاقت آشکار به مخالفین خود و سپس رد آن شیوه افرادی است که چندان عقل درستی ندارند! (لنین، کائوتسکی مرتد) (همانجا)

بدین ترتیب رزمندگان به "درس مبارزه ایدئولوژیک" می آموزد، او میگوید و اما عقل چندان درستی نداریم و ما مبارزه ایدئولوژیک بین ما و خودشان همچون مبارزه ایدئولوژیک بین کائوتسکی و لنین است و ما همچون کائوتسکی به مخالف خود انتساب سفاقت میدهم و رزمندگان همچون لنین به ردا بین شوه میپردازد!

رزمندگان که همچنان مخالف برخورد "عسری کمونیستی و غیررفیقانه است"، به پیکار می آموزد که برخورد های "ساده لوحانه" اس بسود و بی زیونستیا پایان یافته است:

"ما نمونه های متعددی را از استگونه برخورد های رفقای پیکار در ریم که نه تنها از موضعی اصولی انجام نشده، بلکه به طرز ساده لوحانه بود رویزیونستیا خاتمه یافته است."

و بعد از ذکر ادله و امثله های که زعم خود، نشان داده لوجی پیکار در مبارزه ایدئولوژیک است، میگوید "سومین شخصه سگار در مبارزه ایدئولوژیک را که ما بنا به همه چیز تا ختن بدون اینکه درک عمیق و دقیقی از مسائل داشته باشد" را نشان دهد. سز عم رزمندگان از اظهار نظرهای پیکار خواننده را از "پرمدها"ی "حسرت زده میکنند و آنگاه رزمندگان به فکر فرومی رود که چرا:

"رفقای پیکار را بیدر مبارزه ایدئولوژیک مثل دن کیشوتی که فقط با اوها و موخیلات خود به جنگ می رود، تا این حد اعتبار روارزش مبارزه ایدئولوژیک را، آنهم با توسل به دروغ و انتساب سفاقت و اظهار نظرهای که جدا انسان را به فکر فرو میبرد (مثل نمونه ها که گفتیم) با شین میا ورتند". (همانجا)

والبت معطل نمی ماند و "عجالتا" شک علت ذکر میکند (تا بعد) و آنهم این است که:

"پیکار خود را نیروی تعیین کننده جنبش کمونیستی میدانند، پس بایده در باره همه چیز اظهار نظر نماید، حتی اگر هیچگونه دلیلی برای آن ارائه ننماید... همچنین علت رفقای پیکار بدون اینکه کوچکترین تلاشی در توضیح دقیق تر سوسال امیرا لسم، بررسی شرایط تاریخی پیدایش آن، مرز بندی آن با سجهان و غیره کرده باشد، ترجیح میدهند که ابتدا آن را بعنوان اصلی الهی و آسمانی ساک قضیه اصولی هندسی بگذرانند و سپس دیگران را که درک عمیقتری از مشکلات و ابهامات آن ندارند، به رد آن منبهم نموده... و مثنی کلیات را بر سر آنها بکوبند". (همانجا)

البته رزمندگان "تاما با استناد به نقل قول و سند مدرک" آن حسدسات خود را در مورد علت آن نوع برخورد پیکار و اعتقادش به "الهی بودن این نزو... ثابت میکنند، چه رزمندگان "عادت" ندارند که "اتیا میزند"، "دروغ بگوید" و "برخورد

غیررفیقانه و غیر کمونیستی" بنمایند! رزمندگان سزای وارد آوردن دومین ضربه (اولین ضربه را موقع همانند کردن پیکار روکا ئوتسکی "بی عقل" سز عم خویش وارد آورد) مسکوشد همزمانی خائنین فد انقلابی "حزب رجبران" را بایکبار نشان دهد! و میگوید:

"بیپوده نیست که رنجبران سجهانی ها در شماره ۱۰۲ خود کلی بافی های پیکار را بر علیه ما نقل میکنند، آنقدر کلی بافی که رنجبران اسن سر سخت ترین مبلغ سوسال

شماره ۱۰۲ - سگار شماره ۶۹). (همانجا) آبا واقعا رزمندگان مسانی متدولوژیک پیکار را همچون سجهانی ها میدانند؟! آبا این همان شیوه برخورد ما کسا و لبستی رویزیونستهای اکثریت نیست که برای تخطئه م. ل ها میگویند: "سجهانی ها میگویند "سوسال امیرا لسم" سما (منظور م. ل هاست) میگویند "سوسال امیرا لسم"، سس شما و آنها هج تفاقوت کیفی در عمل وجود ندارد" (نقل بمعنی از کار سلسله

**همه منتظر پاسخ رزمندگان به مبارزه ایدئولوژیک که از سوی جنبش کمونیستی و از جمله سازمان مادا من زده شده بود، بودند. اما رزمندگان با انتشار مقاله "شیوه پیکار در مبارزه ایدئولوژیک... جنبش کمونیستی و از جمله سازمان ما را تا حدی مایوس نمود.**

شماره های مربوط به در سوسال امیرا لسم) آری، اس است شیوه برخورد "رفقا نه و کمونیستی و شرافتمندانه"، رفقای رزمندگان در ادا مسه تحلیس های "عمیق" و "مستدل" و "مستند" خوشت میگویند:

"سگار که شناخت ما ر کسستی را اساسا از زاویه ای دیگری شنا سد معتقد به نوعی دیگر از شناخت است، برخلاف راه ورسم متداول در مارکسیسم ابتدا حکم میدهد و بعد در بی اثبات آن اس پیکار به شیوه ای اشرافی و افلاطونی بدون آنکه ذره ای حای بحث باشد میگوید: اگر سوسال لسم نیست سس امیرا لسم است و انتظار دارد، خواننده نیز به سیک انده آستت ها بگوید: آری همین است. "ابن با آن "شعار شناخت پیکار چنین است، وقتی پای تحقیق و تحلیل به پیش می آید بر عکس ما ساده لوحی و ندانم کاری

آنگار میگوید: رویزیونسم حاکم است پس سوسال امیرا لسم است... سگار ما متدولوژی خود که عبارت است از تحلیل مشخص لازم نیست: ابن با آن... (همانجا) سسار خوب! دیدم که رزمندگان چگونه بدون "انتساب دروغ و سفاقت بد دیگران و سس ردا ن"، سراسا اظهارت صریح بویسند و با نقل قولهای فراوان به شیوه ای کاملا غیر مذوحانه و غیر حقیقانه جوهر تحلیل و شناخت سگار را نابیت نمود! روشن شد که: الف - سگار ذره ای حای بحث نمی سسد (نمونه ای از صداقت انقلابی

رزمندگان)، ب: شعار شناخت پیکار چنین است با ابن و با آن یعنی افلاطونی و اشرافی و سسر یا به "ساده لوحی" پیکار، متدولوژی تحلیل مشخص لازم نیست". چنین است درس آموزی رزمندگان به ما در چگونگی مبارزه ایدئولوژیک و برخورد "کمونیستی و سسای" رزمندگان برای اینکه به ما "بیا موزد" که با بدن نسبت به مسئله تحلیل داشت

از ما می پرسد: "آبا یان سا کدام تحلیل اینطور سخن می گویند: "تحلیل اولیه حین تحلیل سسجهانی ها؟ تحلیل بتلهایم؟ تحلیل آبا نی؟ تحلیل بورژوازی اروپا و آمریکا؟ (همانجا)

سزای وارد آوردن دومین ضربه (اولین ضربه را موقع همانند کردن پیکار روکا ئوتسکی "بی عقل" سز عم خویش وارد آورد) مسکوشد همزمانی خائنین فد انقلابی "حزب رجبران" را بایکبار نشان دهد! و میگوید:

"بیپوده نیست که ما می بینیم اصول متدولوژیک پیکار را رنجبران شماره ۱۰۲ بعنوان مسانی مور د قبول خود تکرار می کند "در سطح جنبش کمونیستی ایران فلسفه شکاکیت از جمله در ارتباط با واقعیت سوسال امیرا لسم تظا هر پیدا کرده است" - رنجبران



نشده است و برای نخستین بار با ایده آن پرداخت رزمندگان برخوردار گردید. هرکس که بکسار نشسته رزمندگان را خوانده باشد به نقش فعالی که ما در مبارزه علیه رویزیونیسم داشته ایم پی میبرد... مبارزه ای که ما داشته ایم تاثیر عمده ای را در رشد مبارزه ایدئولوژیک در جنبش و طرح مسائل انقلاب داشته است."

رزمندگان آموزش را با تعریف و تمجید از خود علیه ما بیابان میبرد:

"جوابیکار به مبارزه ایدئولوژیک محض ما پاسخ نداده است، هرکس که بکسار نشسته رزمندگان را خوانده باشد به نقش فعالی که ما در مبارزه علیه رویزیونیسم داشته ایم پی میبرد... مبارزه ای که ما داشته ایم تاثیر عمده ای را در رشد مبارزه ایدئولوژیک در جنبش و طرح مسائل انقلاب داشته است."

و اضافه میکند:

"و از این جمله است برخوردهای ما با سازمان پیکار بر روی خلق و ضد خلق، جامعه سرمایه داری وابسته و... در همه این موارد پیکار مسئله را با سکوت برگزار میکند، ترجیح میدهد مواضع خود را مثل لبان هر روز عوض کند ولی سر سر آنها مبارزه ایدئولوژیک نکند. پیکار ترجیح میدهد سنا به میل خود ابتدا آنها ماتی را بزند و بعد از زیر پا سخ دادن متقابل شان خالی کند. برای پیکار مبارزه ایدئولوژیک اهمیت ندارد. اظهار بعضی مواضع، بستن آنها ماتی دروغین ب دیگران این است که اهمیت دارد. برای آنها هیچ اهمیتی ندارد که جنبش کمونیستی بدانند که آیا رفقای پیکار بالاخره به سوز و آزاری ملی و غیره وابسته و... در جامعه ما اعتقاد دارند یا نه، مهم آنست که با پدیدگرا را به هر قیمت کوبید، ما مخالف مبارزه ایدئولوژیک سرسوسال امربالسم نیستیم، اما مخالف آن هستیم که اولاً بطور غیررفیقا نه و غیر کمونیستی مسائل را در جنبش طرح نمائیم که فقط باعث سردرگمی میشود (مثل انتسابات رفقای پیکار) و ثانیاً مسائل اصلی جنبش را مسکوت بگذاریم." (هما نجا)

با مسائل جنبش موفق مدانیم، رویزیو - نیستیهای جنبش هستیم. علت آنهمدا شدن آنها ماتی در مورد سوسال امربالسم است." (هما نجا)

بدین ترتیب رزمندگان در چند سطر نشان میدهد:

- ۱ - پیکار آنها مدروغین میزند.
- ۲ - برایش مبارزه ایدئولوژیک اهمیت ندارد.

حریف بزم رزمندگان "رسوا" گشته است، هم رزمندگان "پاسخن" را داده و حمله حریف را بجواب نگذاشته است و جالب اینکه رزمندگان همچنان بر تزلزلات رویزیونیستی خویش، با زیرکی هر چه تمامتر، با پستادگی نموده و حتی آنرا شعریق نموده است!



بهمین ترتیب موضعگیری سازمان مادر پرپر سوسال امربالسم در کنگره اخیر برای جنبش کمونیستی ایران (و در اینجا بخش پیکار) دارای اهمیت فراوان بود و نمیتوانست مسود استقبال آن قرار نگیرد. همانطور که متقابلاً برخی از نیروها نیز بدلیل همان تزلزلات و انحراف رویزیونیستی شان نمی توانستند از این موضعگیری غمگین واقفانه نباشند!

آیا رزمندگان واقعا نمیدانند که تحلیل ما با پروژای امربالسمی آمریکا و اروپا و سه جهانی هافرق دارد؟ آیا برای کمونیست ها حتی نیروهای متزلزلی چون "راه کارگر" روشن نیست که تحلیل نیروهای خط ۳ از سوسال امربالسم با تحلیل سوسوز و آزی آمریکا و اروپا و سه جهانی هافرق دارد؟

### شیوه برخورد مارکسیستی لنینیستی در مبارزه ایدئولوژیک چیست؟

گفتیم اگر مبارزه ایدئولوژیک بر متن سایر اسکال مبارزه طبقه ای پرولتاریا و جزئی از آن نباشد، مبارزه ایدئولوژیک پرولتری نیست، جدال روشنفکرانه است. اولین اصلی که در مبارزه ایدئولوژیک باید همواره در نظر داشت، استنتاج نکاتی است که نه در خدمت ارضای تمایلات روشنفکرانه و تنگ نظران، بلکه در خدمت گره کشایی از معضلات و مشکلات جنبش کمونیستی و انکشاف مبارزه طبقه ای پرولتاریاست. این مبارزه در خدمت دفاع از یک کیزگی مارکسیسم لنینیسم میباشد. این مبارزه با نقد و طرد انحرافات ایدئولوژیک غیر پرولتری، مواضع پرولتری را تحکیم نموده و مبارزه پرولتاریا را ارتقاء می بخشد. این مبارزه متین طبقه ای می کوشد تا سوزواری، نمایندگان فکسری آن و ایدئولوژی او را بسمت شکست قطعی سوق دهد.

در مبارزه ایدئولوژیک، بدون انحراف نمیتواند پیروز نماید؛ انحراف استروا نشه و رویزیونیستی و انحراف چپروانه و روشنفکرانه، انحراف نوع اول در کم بهادان به مبارزه ایدئولوژیک، دردمساری و سائش، در آریا بی استروا نشه از عمق یک انحراف ایدئولوژیک، در بدین وحدت و ندیدن تفا دو...

- ۳ - برایش کوبیدن دیگران مهم است.
- ۴ - بطور غیررفیقا نه و غیر کمونیستی مبارزه ایدئولوژیک میکند.
- ۵ - مسائل اصلی جنبش را مسکوت میگذارد.
- ۶ - سکوت در موقعی که رزمندگان مشغول دفاع قهرمانانه از مارکسیسم بود، مشغول سرخاریدن بود.
- ۷ - پیکار رزمندگان را رویزیونیست میداند.
- ۸ - رزمندگان کماکان در مورد سوسال امربالسم ابهام دارد.
- ۹ - موضعش در مورد سوسال امربالسم حتی بیشتر از پیکار روشن است.
- ۱۰ - پیکار دیگران (و از جمله رزمندگان را) که درک عمیقتری از مشکلات و ابهامات این تز دارند بر آن متهم می کند.



آخرین آموزش رزمندگان در مبارزه ایدئولوژیک با پیکار رکه "شاکار" جنبش کمونیستی است، این است که به پیکار را مثالهم هندا ردهد:

"خشکی و حمودی شتوریک پیکار رنگ خطری است که هرگاه بدان توجه نشود و رفع نگردد. صدمات جدی به بار خواهد آمد... رفقای پیکار با این شیوه برخورد در عمل (تا کنده از خود رزمندگان است) و سرخلاف خواسته و نیات خود را بر رویزیونیسم می گشایند."

و اینچنین مسابقه پان می یابید و رزمندگان حریف را که مسائل "نا مربوط و دروغی" را در باره تزلزلات رویزیونیستی رزمندگان مطرح ساخته بود از درخارج میکنند. نتیجه: هم

## برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

خود را بروز میدهد. انحراف رویزیونیستی می -  
 کوشد تا بین ایدئولوژی پرولتاریا و ایدئولوژی  
 بورژوازی سازش دهد و منافع پرولتاریا را قربانی  
 نماید. انحراف رویزیونیستی مبارزه ایدئولوژی -  
 زیک را اخته میکند و برایشی پرولتاریا را از آن  
 ضیاع میدهد. این انحراف، شرایط تداوم انحرافات  
 غیرپرولتری را بوجود می آورد و زبرجسته شدن  
 خط پرولتری را منفعتهای حاصل می آورد. انحراف  
 نوع دوم در شکل دیگری بروز می نماید: -  
 آنتاگونیسم کشاندن مبارزه ایدئولوژیکی،  
 برخورد دیکتاتورانه، مغرضانه و منفعتهای طلبانه در  
 مبارزه ایدئولوژیکی، بازی با الفاظ، تکیه برانی  
 شمسفر، سفسطه گری، زخم زبان زدن، تحقیر نمودن  
 و... از جمله مشخصات این انحراف روشنفکرانه  
 میباشند. نیروهای (بویژه در خارج از کشور) که  
 دغدغه فکری منافع طبقاتی پرولتاریا را ندارند  
 به این سبک از مبارزه ایدئولوژیکی روی می -  
 آورند، آنان ساعتها به جدلهای روشنفکرانه  
 پرداخته می آنگه بخوانند گهری از مضامین جنبش  
 و طبقه کارگر را بگشایند. این شیوه برخورد  
 تروتسکیستی، آنتاگونیستی، سکتاریستی و  
 آنتاگونیستی میباشند. این انحراف برای  
 مغلوب کردن حریف به تحریف و وارونه جلوه  
 دادن حقایق میپردازد. این انحراف در واقع  
 بیکی مبارزه ایدئولوژیکی بورژوازی روی  
 می آورد. بنظر ما رفقای رزمندگان دچار چنین  
 سبکی در مبارزه ایدئولوژیکی میباشند. آنان می -  
 کوشند با تحریف مسائل و حملات غیررفیقا نه خود  
 را محق جلوه دهند.

نمیخواهند با یکدیگر همان برخوردی را بنمایند  
 که با اپورتونیستها، رویزیونیستها، بورژوازی  
 و کلیه دشمنان طبقه کارگر صورت میدهند، اگر  
 مبارزه ایدئولوژیکی ما با نیروهای رویزیونیست  
 آنتاگونیستی است، این امر ناشی از آنست که  
 دوا ایدئولوژی آنتاگونیستی یعنی مارکسیسم  
 لنینیسم و رویزیونیسم در برابر هم قرار گرفته اند  
 آری پیگیری در مبارزه علیه انحرافات و در همان  
 زمان رعایت متانت پرولتری در مبارزه ایدئو -  
 لویکی از شروط اولیه مبارزه ایدئولوژیکی  
 پرولتری میباشد.

میکند. اما رزمندگان تمام مواردی را که ما در  
 نوشته خود مورد نقد کمونیستی خود قرار داده ایم،  
 نادیده میگیرند و از آنها میگذرد. رزمندگان  
 آگاهانها انحرافات را که توسط ما بنقد کشیده  
 شده است، بدست فراموشی می سپارند و به تحریف  
 دست میزنند. تحریف دوتنوع است:  
 الف - دروغپردازی آشکار، وارونه جلوه دادن  
 نظریات دیگران، ذهنی بافی بر اساس تمایلات  
 ذهنی خود.  
 ب - تکیه بر گوشه ای از واقعیت، بریدن ارتباط  
 مطالب از یکدیگر، سرتوته مطلب را زدن و بقول

**کمونیستها در مبارزه ایدئولوژیکی باید به شیوه پرولتری برخورد کنند. کمونیستها فراموش نمی کنند که مبارزه ایدئولوژیکی شان با دیگر نیروهای کمونیست، شیوه ای لنینی، متین، رفیقا نه و وحدت طلبانه است. چه مبارزه آنان با یکدیگر همان پرولتاریا است، وحدت است. آنان مبارزه می کنند که به وحدت دست یابند و نه اینکه باشیوه های تروتسکیستی نقش وحدت را نادیده بگیرند و صرفاً مبارزه را ببینند.**

**کافی است ذره ای صداقت انقلابی در کار باشد، ذره ای متانت پرولتری در کار باشد تا از اینهمه برخورد فیسبسیسی، ناهنجار و تحریف آمیز خودداری نمود. آیا هر خواننده صادقی آنچه را که پیکار تاکنون در تحلیل از سوسیال امپریالیسم گفته است (چه در برخورد به فدائیان، چه در برخورد به رزمندگان، چه در ترجمه هائی که در مورد شوروی نمود) است، چه در وقایع و آثار هائی که از شوروی ارائه داده است) - اگرچه بسیار حسد و بد است - همانسی است که در روزنامه های انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی و تجربان می خواند؟!**

معروف "مح گیری" و "بل گیری" نمودن. متاسفانه  
 رفقای رزمندگان به این شیوه دست یازیدند و  
 بجای انتقاد از خود کمونیستی، بی پروا و بسا  
 شها مت به پرده پوشی انتقاد برداشته و در بی  
 آن نیستند تا عمق انحراف رویزیونیستی را  
 برملا کرده و زمینه طرد آنرا مهیا نمایند و روشن  
 است هرگاه به بررسی ریشه ای انحراف و علل  
 بروز آن پرداخته نشود و هرگاه در طی مبارزه  
 ایدئولوژیکی، نوع و مضمون انحراف مشخص  
 نگردد، بیما را ز مریضی نجات نخواهد یافت. عدم  
 برخورد کمونیستی و طبقاتی به انحرافات  
 زمینه گندیدگی و بوسیدگی را مهیا می سازد.  
 (ادامه دارد)

روشن است که آنچه برای کمونیستها اهمیت  
 حیاتی دارد مضمون مبارزه ایدئولوژیکی است.  
 اما اگر شیوه مبارزه ایدئولوژیکی انحرافی و  
 تروتسکیستی باشد این انحراف مضمون مبارزه  
 را تحت الشعاع خود قرار میدهد، برخورد شرافت -  
 مندانه و صداقت انقلابی در مبارزه ایدئولوژیکی  
 هرگز نباید تحت الشعاع منافع محدود و تنگ -  
 نظرانانه قرار گیرد. برخورد شرافتمندانانه و صادقانه  
 در مبارزه ایدئولوژیکی یعنی "اتکا به نوشته و سند  
 و کشف انحراف"، و این سبک مبارزه ای است که  
 ما در برخورد به رفقای رزمندگان رعایت نمودیم  
 مبارزه ما متکی بر "نوشته و سند" رزمندگان بوده  
 و انحراف رویزیونیستی آنان را بصراحت اثبات

کمونیستها در مبارزه ایدئولوژیکی باید به  
 شیوه پرولتری برخورد کنند. کمونیستها فراموش  
 نمی کنند که مبارزه ایدئولوژیکی شان با دیگر  
 نیروهای کمونیست، شیوه ای لنینی، متین،  
 رفیقا نه و وحدت طلبانه است. چه مبارزه آنان با  
 یکدیگر همان پرولتاریا است، وحدت است.  
 آنان مبارزه میکنند که به وحدت دست یابند و نه  
 اینکه باشیوه های تروتسکیستی نقش وحدت را  
 نادیده بگیرند و صرفاً مبارزه را ببینند، کمونیستها

**مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست**